

را توشه

فصلنامه علمی-تخصصی ویژه بهمنیان
تابستان ۱۴۰۰ - محرم ۱۴۴۲ - شماره ششم
ویژه نامه خانواده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی

صاحب امتیاز:	معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
مدیر مسئول:	سعید روستاآزاد
سر دبیر:	علی اکبر مؤمنی

نشریه «ره توشه» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۲۴۴ تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می شود.

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سعید روستاآزاد	عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
سید محمد اکبریان	عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
عبدالکریم پاک نیا تبریزی	استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
علی نظری منفرد	استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
علی اکبر مؤمنی	پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
میر تقی قادری	استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
ناصر رفیعی محمدی	عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

ویراستار:	زهرا رضائیان
صفحه آرا:	اکبر اسماعیل پور
مسئول چاپ و نشر:	سید محمود کریمی

آدرس:	قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱
تلفن:	۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷
پایگاه اینترنتی:	http://rahtoosheh.dte.ir
پست الکترونیک:	tabligh@dte.ir
شمارگان:	۴۰۰ نسخه
قیمت:	۱۶۰۰۰ تومان



امام خمینی (قدس سره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است، و این امری است که انبیا می خواستند. می خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را، و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۹۷.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود؛ می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگر سازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن بست های بزرگ را درهم بشکنند.

<https://www.leader.ir/fa/speech/10428/>

پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور ۱۳۹۱/۱۲/۱۶

فهرست مطالب

عوامل تحکیم خانواده در قرآن و روایات ۵

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

عفت و پاکدامنی در کلام و سیره حضرت زینب علیها السلام ۱۹

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا

نگاهی به ویژگی‌های خانواده مطلوب از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام ۳۱

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری

رفتارشناسی فرماندهان شهید دفاع مقدس در خانواده ۴۳

حجت الاسلام والمسلمین رضا آبیاری

عفاف در خانواده ۵۳

حجت الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی‌محمدی

بررسی نقش امید در افزایش جمعیت از منظر متون دینی ۶۳

حانیه مازارچی

عوامل افول ارزش‌ها در خانواده معاصر ۷۴

راضیه علی‌اکبری

عوامل تحکیم خانواده در قرآن و روایات

حجت الاسلام والمسلمین محسن قراتی

مقدمه

گرمی کانون خانواده، دغدغه جهان امروز است. دنیای مدرن، با همه پیشرفت‌هایش، در مسئله خانواده درمانده است و انسان‌ها با همه تحصیلات عالی خود، نتوانستند از مشکلات سردی روابط در زندگی رهایی یابند؛ چه بسیار افراد تحصیل کرده که زندگی مدرن آن‌ها، از گرمای زندگی تهی است و چه بسیار افراد عادی که با کمترین امکانات مادی، شیرین‌ترین زندگی را دارند.

در دنیای مدرن، مفهوم خانواده و روابط خانوادگی، جایگاه اصلی خود را از دست داده و زن و مرد، به صورت قراردادی در زیر یک سقف زندگی می‌کنند؛ نه انس و عشقی دارند و نه محبت و صفایی. این در حالی است که اسلام، محیط خانه را محل عشق و محبت و ارتباطات عاطفی دانسته و توجه به غرایز جنسی را محدود به محیط خانواده می‌داند. تمام حقوق و وظایفی که در اسلام آمده است، در حقیقت تبیین دقیق حدود و مرزهاست تا در محیط خانواده، زن و مرد با محبت در کنار هم زندگی شیرینی را تجربه کنند.

از نگاه قرآن کریم، زن و شوهر یک روح در دو پیکرند و این مطلب از آیه ۳۵ سوره نساء می‌آید: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا؛ و اگر از شکاف میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید»؛ زیرا کلمه «شِقَاق» در جایی به کار می‌رود که یک چیز به دو قسمت تقسیم شود. با این منطق هر گاه همسری شکایت کند، نباید فوراً پیشنهاد جدایی داد؛ چنانکه وقتی زید با زینب، دختر عمه پیامبر ﷺ ازدواج کرد و ناسازگاری میان آنان آغاز شد، زید تصمیم گرفت زینب را طلاق دهد. او بارها نزد پیامبر ﷺ آمد، ولی هر

بار آن حضرت به او می فرمود: «أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ! ا همسرت را نگاه دار و طلاق نده». چنانچه در زندگی مشترک به توصیه های اسلام عمل شود، زندگی از استحکام لازم برخوردار خواهد شد. عوامل پایداری زندگی زناشویی از نگاه قرآن و روایات عبارتند از:

۱. عفت و پاکدامنی

در لزوم عفت و پاکدامنی و ترک روابط خارج از خانواده، میان زن و مرد فرقی نیست. با اینکه خداوند در قرآن به جزئیات احکام نماز و زکات اشاره نکرده و بیان آن ها و بسیاری از مسائل دیگر را به عهده پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نهاده است، ولی در بیان مسائل خانوادگی و تربیتی به ریزترین مسائل پرداخته است.

در فرهنگ اسلامی، مردان باید از نگاه آلوده بپرهیزند و زنان نیز نباید از روی شهوت به مردان نامحرم بنگرند؛ بلکه باید نگاه خود را کنترل کنند و زینت و زیبایی خود را از نامحرم بپوشانند، جز صورت و دست ها که به طور طبیعی ظاهر است و پوشش آن ها، موجب مشکلاتی در انجام امور زندگی می شود. خداوند متعال می فرماید:

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ... وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛^۱ به زنان با ایمان بگو: از برخی نگاه ها چشم پوشی کنند و دامن های خود را حفظ نمایند و جزء آنچه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینت های خود را آشکار نکنند و روسری خود را بر گریبان بيفکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه آنان نیز پوشیده باشد)... و پای خود را به گونه ای بر زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند، آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید و توبه کنید تا رستگار شوید.

از مسائلی که در سردی روابط همسران، مؤثر است؛ جلوه گیری برخی زنان و اشتباه گرفتن محیط جامعه با محیط منزل است تا جایی که متأسفانه برخی زنان، وقتی می خواهند از منزل بیرون بروند، تازه به فکر آرایش می افتند و در محیط منزل و برای همسر خود به این مسئله توجهی ندارند. خودآرایی، برای زن یک غریزه است که

۱. أحزاب: ۳۷.

۲. نور: ۳۱.

اگر در خانه به کار گرفته شود؛ زندگی را شیرین و پرمحبت خواهد کرد، اما اگر به بیرون از خانه کشیده شد، بساط چشم‌چرانی را پهن می‌کند و سبب متزلزل کردن خانواده‌های دیگر می‌شود. مردی که در خیابان صدها زن آرایش کرده را می‌بیند، وقتی به خانه برمی‌گردد، نسبت به همسر خود علاقه چندانی نشان نمی‌دهد؛ زیرا در مقایسه با همسرش، زنانی زیباتر و جذاب‌تر دیده است و هر چه عمر همسر بالا می‌رود، در مقایسه با زنان جوان جاذبه کمتری دارد. این بی‌عفتی‌ها در نوع پوشش و آرایش، موجب بروز پدیده‌ای به نام سوءقصد و تجاوز می‌شود که امروزه حتی در آزادترین کشورهای غربی، آمار بالایی دارد.

آراستگی و زینت زن برای شوهر، سبب شیرینی زندگی و تداوم آن می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر جمله «إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»^۱ فرمودند: «خداوند آن دسته از زنان را که روی و موی خود را برای شوهر آرایش نمی‌کنند و نیازهای شوهر را برآورده نمی‌سازند، لعنت کرده است».^۲

با توجه به اینکه جلوه‌گری زنان در جامعه موجب تزلزل بنیان خانواده می‌شود،^۳ یکی از دستوراتی که خدای تعالی در قرآن صادر نموده این است: «وَقَزْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ أَجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»^۴ در خانه‌های خود قرار گیرید و همچون دوران جاهلیت نخستین با خودآرایی، در جامعه ظاهر نشوید».

چشم‌چرانی مردان از یک سو و جلوه‌گری زنان از سوی دیگر موجب می‌شود که مرد میان همسر خود و زنانی که در خیابان می‌بیند، مقایسه کند و کم‌کم نسبت به همسر خود دل‌سرد شود؛ مانند کسی که در خیابان هر خوراکی خوشمزه‌ای که دید، می‌خورد و دیگر در خانه اشتهايي ندارد. البته اگر مردان از چشم‌چرانی پرهیز کنند و به زنان نگاه نکنند، انگیزه‌ای برای خودنمایی زنان وجود نخواهد داشت. چشم‌چرانی، آثار سوء فراوانی دارد و کم شدن علاقه به همسر و سردی روابط، یکی

۱. نور: ۳۱.

۲. عبدعلی بن جمعه حویزی؛ تفسیر نور‌التقلین؛ ج ۳، ص ۵۹۳.

۳. حفظ حجاب و ترک جلوه‌گری، ثمرات بسیاری دارد که برخی از آن‌ها عبارت است از: آرامش روحی، استحکام پیوند خانوادگی، حفظ نسل، جلوگیری از سوءقصد و تجاوز.

۴. احزاب: ۳۳.

از آثار سوء آن است؛ چنانکه فرد چشم‌چران، پیوسته فکر و ذهنش مشغول آنچه دیده است، می‌باشد؛ به گونه‌ای که از فکر هر منظره‌ای خود را برهاند، گرفتار فکر منظره دیگر می‌شود. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَطْلَقَ نَاطِرَهُ أَتَعَبَ خَاطِرَهُ مَنْ تَتَابَعَتْ لَحَظَاتُهُ دَامَتْ حَسْرَتُهُ»^۱ هر که دیده خود را رها سازد، آسایش خود را سلب کرده است. از پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است که فرمودند: «التَّظَرُّسَهُمْ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ»^۲ نگاه به نامحرم، تیری است زهرآگین از تیرهای ابلیس؛ پس هر که به جهت ترس از خدا، از آن چشم‌پوشد؛ خداوند ایمانی به او عنایت می‌کند که شیرینی آن را در قلب خود احساس کند».

از مواردی که بستر چشم‌چرانی را فراهم می‌نماید، مهمانی‌های مختلط و عدم رعایت شؤونات دینی در روابط محرم و نامحرم است که اهمیت ندادن به این امر و برادر و خواهر دانستن آشناها و بستگان، موجب برقراری روابط پنهانی میان دختران و پسران جوان و حتی مردان و زنان همسرदार می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در خصوص زنان به امام مجتبی علیه السلام فرمودند:

با حجابی که قرار می‌دهی، چشم‌شان را (از نامحرم) بازدار؛ چرا که جدی گرفتن حجاب (و سخت‌گیری در این زمینه برای تو و آنان) بهتر از ارتیاب و گرفتار شدن به شک و در معرض اتهام قرار گرفتن است و خروج زنان از منزل بدتر از ورود مردانی که به آنها اطمینان نداری، نیست و اگر بتوانی که غیر از تو مردان دیگر را شناسند، این کار را بکن.^۳

حساسیت اسلام به مسائل محرم و نامحرم بسیار است. ممنوعیت خلوت مرد با زن نامحرم،^۴ نهی از شوخی با نامحرم، نهی از مصافحه و دست دادن با نامحرم، حرمت زینت زن برای نامحرم، حرمت نظریه نامحرم، داشتن رفتار غیرمتواضعانه زنان با نامحرم، پرهیز زنان از نرمی در کلام با نامحرم، بخشی از حساسیت‌های اسلام در

۱. محمد بن محمد شعیری؛ جامع الأخبار؛ ص ۹۳.

۲. همان، ص ۱۴۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۳۳۸.

۴. حسین بن محمد تقی نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۴، ص ۲۶۵.

موضوع «محرم و نامحرم» است. حساسیت اسلام در این زمینه تا آنجاست که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «وقتی زنی در جایی بنشیند و از آنجا بلند شود، تا زمانی که جایش سرد نشده، مرد در جایش ننشیند».^۱

۲. اخلاق خوب

اخلاق خوش و خوب، باعث شیرینی زندگی و رشد خانواده می‌شود. اموری همچون راستگویی، امانت‌داری، خوش‌زبانی، خیرخواهی، گذشت و ایثار، بردباری، وظیفه‌شناسی، نجابت، کم‌توقعی، نرم‌خویی و... امتیازات یک انسان است که اسلام به آن‌ها اهمیت داده است؛ چنانکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حسن خلق را نصف دین دانسته^۲ و فرمودند: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ»^۳ در میزان (الهی)، هیچ چیز سنگین‌تر از حسن خلق نیست». وقتی حسین بن بشار واسطی به امام هشتم عَلَيْهِ السَّلَام نامه نوشت که خویشاوندی از دختر من خواستگاری کرده، ولی در اخلاقش مشکلی دارد، امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در جواب فرمودند: «اگر بد اخلاق است، به او دختر نده!».^۴

«حُسن خُلُق» سبب زدودن کینه‌ها، گوارایی زندگی، ایجاد محبت و تثبیت مودت و عشق در زندگی و لطافت گفتار و سخن می‌گردد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «حسن خلق، محبت و مودت را تثبیت می‌نماید». و نیز فرمودند: «گشاده‌رویی، کینه را از بین می‌برد».^۵ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمودند: «حسن خلق، محبت را به ارث می‌گذارد و مودت (و عشق) را تأکید می‌نماید».^۶

اخلاق نیکو بسیاری از خلأها و ننداری‌ها را در زندگی پر کند. رسول‌گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «ای مردم! به خداوند من می‌دانم که اموال شما برای عطا کردن به مردم وسعت ندارد، پس با گشاده‌رویی و حسن خلق با آنان مصاحبت نمایید!».^۷

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۵۶۴.

۲. محمد بن علی صدوق؛ *الخصال*؛ ج ۱، ص ۳۰: «حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ».

۳. محمد بن علی صدوق؛ *عیون أخبار الرضا* عَلَيْهِ السَّلَام؛ ج ۲، ص ۳۷.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۵۶۳.

۵. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی؛ *تحف العقول*؛ ص ۴۵.

۶. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*؛ ص ۳۴۷: «حُسْنُ الْخُلُقِ يُورِثُ الْمَحَبَّةَ وَ يُؤَكِّدُ الْمَوَدَّةَ».

۷. محمدباقر مجلسی؛ *بحار الأنوار*؛ ج ۶۸، ص ۳۹۵.

۳. دیدن زحمات یکدیگر و تشکر

یکی از مواردی که می‌تواند کانون خانواده را گرم نگه دارد، دیدن زحمات یکدیگر و تشکر از تلاش‌هاست. چه بسا مردان و زنانی که فقط زحمات و تلاش‌های خود را می‌بینند و توقع تشکر از دیگران دارند و بر آنان منت می‌نهند؛ اما زن و مرد متدین، هر کدام به وظیفه خود توجه نموده و زحمات دیگری را دیده و به جای منت گذاردن کار خود، از تلاش او تشکر می‌کنند. شوهری که زحمات همسرش را ببیند، از نظافت منزل، تهیه غذا، بچه‌داری و سایر کارهایی که زن انجام می‌دهد، تشکر می‌کند. همین تشکر زبانی، به همسر انرژی مثبت داده و او را به تلاش بیشتر ترغیب، و کانون زندگی را روز به روز گرم‌تر می‌کند. این در حالی است که ناشکری مرد و ندیدن زحمات، چه بسا زن را در کارش سست نماید و هر روز از شیرینی زندگی کاسته شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «الْكَرِيمُ يَشْكُرُ الْقَلِيلَ؛^۱ انسان بزرگوار، از تلاش اندک نیز تشکر می‌کند». امام سجاده علیه السلام نیز فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... وَ تَوَكُّرِ الشُّكْرِ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا؛^۲ خداوندا به تو پناه می‌برم... از اینکه کسی کار خوبی در حق من انجام دهد و من از او تشکر نکنم».

البته زندگی توحیدی، وظیفه‌محور است و کار باید برای خدای تعالی باشد؛ اما همان‌گونه که فرد وظیفه دارد برای خداوند متعال کار کند، طرف مقابل هم وظیفه دارد زحمات او را ببیند و از او تشکر نماید.

۴. نگاه مثبت به مشکلات

برخی مشکلات زندگی، به خاطر کم‌کاری و بی‌مسئولیتی است که توجیه شرعی و عقلی ندارد؛ اما برخی مسائل، ناشی از کوتاهی زن یا مرد نیست؛ بلکه هر کدام تلاش خود را می‌کنند، اما با این حال برخی مشکلات و گرفتاری‌ها در زندگی وجود دارد. نداشتن مشکل در زندگی دنیوی، چه بسا معنا ندارد؛ مهم نوع نگاه ما به مشکلات است. قرآن نگاه درستی به ما می‌دهد و می‌فرماید:

عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۲۷۷.

۲. علی بن الحسین امام زین‌العابدین علیه السلام؛ الصحیفة السجادیة؛ ص ۵۶.

أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛^۱ چه بسا چیزی را ناخوش دارید، در حالی که خیر شما در آن است و چه بسا چیزی را دوست دارید، در حالی که ضرر و شر شما در آن است و خداوند (صلاح شما را) می‌داند و شما نمی‌دانید.

اگر بدانیم که ممکن بود مشکلات بیشتر یا سخت‌تری برای ما پیش آید، خواهیم دانست که تلخی‌های ظاهری نیز در جای خود شیرین است؛ زیرا همیشه خیر ما مطابق تمایلات ما نیست. چه بسا چیزی را ناخوشایند داریم، ولی خداوند خیر زیاد در آن قرار داده باشد؛ زیرا انسان به همه مصالح خویش آگاه نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۲ و اگر از همسران خوشتان نیامد، چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید؛ ولی خداوند خیر فراوان در آن قرار داده باشد».

۵. روحیه گذشت

با توجه به آیه ۲۳۷ بقره^۳ که درباره طلاق است، گذشت مالی از سوی زن و مرد، هر دو پسندیده است؛ یا زن نصف مهریه را که مرد باید در صورت طلاق قبل از عروسی بدهد، ببخشد یا مرد به جای نصف، تمام مهریه را بدهد: «يَعْفُونَ... تَعْفُوا». از این آیه شریفه بر می‌آید که کسانی که روحیه بخشش دارند، به تقوا نزدیک‌ترند: «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى». این موضوع باید در همه شرایط زندگی حاکم باشد؛ چرا که برای دوری از ناملایمات، گذشت و بخشش نقش کلیدی دارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «سه گروه از زنان عذاب قبر ندارند و در قیامت با حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام محشور می‌شوند: زنی که با فقر و تنگدستی شوهر خود بسازد؛ زنی که با بداخلاقی شوهر،

۱. بقره: ۲۱۶.

۲. نساء: ۱۹.

۳. «وَ إِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَيُضْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بَيْنَهُ وَ عَهْدَةُ النِّكَاحِ وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَ لَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و اگر زنان را قبل از آمیزش طلاق دهید، در حالی که برای آنها مهریه تعیین کرده‌اید، نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنها بدهید)، مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند و یا کسی که عقد ازدواج به دست اوست آنرا ببخشد، و اینکه شما گذشت کنید، (و تمام مهر آنان را بپردازید) به پرهیزکاری نزدیکتر است، و گذشت و نیکوکاری در میان خود را فراموش نکنید که همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست». بقره: ۲۳۷.

صبر و بردباری خود را از دست ندهد و زنی که مهریه خود را ببخشد (و بدین وسیله باری از دوش همسرش بردارد)^۱. البته معنای این جمله آزاد بودن مرد در رفتار و اخلاق بد نیست؛ زیرا چنین مردان بد اخلاقی در به قهر و عذاب الهی تهدید شده‌اند.

۶. فراموشی تلخی‌های گذشته

چه بسا زن یا مرد در گذشته کارهایی انجام داده‌اند که الان از آن کار دوری نموده و پرهیز می‌نمایند؛ یادآوری خاطرات تلخ و گذشته‌های تاریک، سبب زدودن آرامش در زندگی می‌شود. پس از «گذشت»، باید گذشته‌های تاریک را فراموش کرد. در مقابل برای شیرینی زندگی و لذت بردن از یکدیگر، یادآوری گذشته‌های خاطره‌انگیز و خاطرات مثبت لازم است. زن و مرد باید به‌گونه‌ای زندگی کنند که از کنار هم بودن لذت ببرند، نه آنکه از هم گریزان باشند.

۷. مودت و محبت

با توجه به تعالیم قرآن کریم، رابطه زن و مرد باید بر اساس مودت و رحمت باشد؛ زیرا عامل بقا و تداوم آرامش در زندگی مشترک است. خدای متعال می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۲ و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان

همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما و همسرانتان

علاقه شدید و رحمت قرار داد؛ بی شک در این نعمت الهی، برای گروهی که

می‌اندیشند نشانه‌های قطعی است.

طبق این آیه شریفه مودت و رحمت، هدیه خدا به عروس و داماد است. هدف از ازدواج تنها ارضای غریزه جنسی نیست؛ بلکه رسیدن به یک آرامش جسمی و روانی است. همسر باید عامل آرامش باشد، نه مایه تشنج و اضطراب و هر کس با هر عملی که آرامش خانواده را خدشه‌دار کند، از مدار الهی خارج و در خط شیطان است. یکی از نکاتی که در شیرینی زندگی نقش دارد، اظهار محبت و علاقه است. از آنجا

۱. محمد بن حسن الحسینی العاملی؛ *مواظظ العمدیه*؛ ص ۷۵.

۲. روم: ۲۱.

که انسان‌ها از دل یکدیگر باخبر نیستند؛ لذا در روایات می‌خوانیم هر که را دوست دارید، به او بگویید تو را دوست دارم تا این علاقه شدیدتر شود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «وقتی کسی را دوست داری، او را از این دوستی خبر بده که این کار دوستی بین شما را تثبیت می‌کند».^۱

از آنجا که زنان عاطفی‌تر و با محبت‌ترند، لذا در روایات به مردان سفارش شده است که اظهار محبت بنمایند و رسول‌خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «سخن مرد به همسرش که "من تو را دوست دارم" هیچ‌گاه از قلبش بیرون نمی‌رود».^۲

نامه عاشقانه امام خمینی ره به همسرش، نمونه‌ای از ابراز محبت قلبی آن الگوی معاصر به همسر گرامی‌اش است.^۳

یادآوری این نکته نیز لازم است که منظور از «محبت»، محبت معتدلی است که منافات با دستورات دینی و انجام وظایف ندارد؛ زیرا علاقه بیش از حد به زن و فرزند، مایه دلبستگی انسان به دنیا می‌شود. قرآن می‌فرماید: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ...»^۴ در نظر مردم جلوه یافته است، عشق و علاقه به زنان و فرزندان و...». علاقه طبیعی به مادیات در نهاد هر انسانی وجود دارد؛ آنچه خطرناک است، فریب خوردن از زینت‌ها و جلوه‌های آن و عدم کنترل دلبستگی‌هاست. لذا در این آیه، انتقاد از دلبستگی شدید است که از آن به «حُبُّ الشَّهَوَاتِ»^۵ تعبیر می‌کند.

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۶۴۴: «إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِدَلِكِ فَإِنَّهُ أُثْبِتُ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا».

۲. همان، ج ۵، ص ۵۶۹: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَدْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا».

۳. امام خمینی ره در فروردین ۱۳۱۲، ذی‌القعدة ۱۳۵۱ عازم سفر حج شد و در بین راه و در بیروت (برای عزیمت با کشتی به عربستان برای انجام اعمال حج) نامه عاشقانه‌ای برای همسرش خانم خدیجه تقفی نوشته است که در بخشی از این نامه آمده است: «تصدقت شوم؛ الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم، متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آئینه قلبم منقوش است. عزیزم امیدوارم خداوند شما را سلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند. (حال) من با هر شدنی باشد، می‌گذرد؛ ولی بحمدالله تا کنون هرچه پیش آمد، خوش بوده و الان در شهر زیبای بیروت هستم؛ حقیقتاً جای شما خالی است. صد حیف که محبوب عزیزم همراه نیست که این منظره عالی به دل بچسبد...».

۴. آل عمران: ۱۴.

۵. همان.

دل‌بستگی‌هایی که مانع از انجام تکلیف باشد؛ آن‌گونه که فراریان از جنگ، به خاطر وابستگی به مسائل اقتصادی و خانوادگی، از انجام فرمان الهی و جهاد سر باز زدند: «شَغَلْنَا أَمْوَالَنَا وَ أَهْلُونَا»^۱ اموال و خانواده‌هایمان ما را مشغول و سرگرم ساخت (و نتوانستیم تو را همراهی کنیم). قرآن کریم به ما هشدار داده است که دل‌بستگی به زن و فرزند نباید ما را از یاد خدای تعالی باز دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَلْهَكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نسازد و کسانی که چنین کنند، آنان همان زیانکارانند».

۸. وجود فرزندان

یکی از عواملی که در شیرینی و استحکام بنای خانواده بسیار مؤثر است، فرزنددار شدن است؛ همسران باید به این حقیقت قرآنی توجه نمایند که یکی از اهداف ازدواج، تربیت فرزند شایسته است: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ»^۳ زنان کشتزار شمایند، پس هر گاه که بخواهید، به کشتزار خود درآید و برای خود از پیش فرستید». این آیه شریفه گویای آن است که زنان، رمز بقای نسل بشر هستند و لازم است در آمیزش جنسی، هدف انسان تولید نسل پاک باشد که ذخیره قیامت است.

متأسفانه بی‌توجهی به بحث فرزنددار شدن و اقدام دیر هنگام برخی برای فرزندداری، سبب می‌شود که بسیاری از افراد طعم شیرین زندگی را حس نکنند.

۹. اعتدال و دوری از افراط و تفریط

اسلام، دین اعتدال است؛ نه افراط: «أَلَّا تَطْغَوْا»^۴ (در سنجش و میزان) تجاوز نکنید» و نه تفریط: «وَلَا تُخْسِرُوا»^۵ و در ترازو کم نگذارید». اخلاق جنسی در اسلام نیز معتدل و دور از افراط و تفریط است؛ ولی هوسبازان راه افراطی را برای شما می‌خواهند:

۱. فتح: ۱۱.

۲. منافقون: ۹.

۳. بقره: ۲۲۳.

۴. رحمان: ۸.

۵. الرحمن: ۹.

«يُرِيدُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا»^۱ و کسانی که از هوس‌ها پیروی می‌کنند، می‌خواهند که شما به انحرافی بزرگ تمایل پیدا کنید». اگر در محبت کردن، هزینه‌ها، مهمانی رفتن و مهمانی دادن، کار کردن و بیکاری و ... و به طور کلی در همه امور زندگی راه میانه را برویم، به صورت طبیعی زندگی شیرین خواهد بود؛ در حالی که اگر مشی و متش انسان در هر یک از امور زندگی از جاده اعتدال بیرون برود، بگومگوها و اختلافات پیش می‌آید.

۱۰- وقت گذاشتن برای گفتگو

یکی از شیرینی‌های زندگی که عامل مهمی در تقویت روابط همسران و تحکیم خانواده است، در کنار هم بودن و انس و گفتگو با یکدیگر است. توجه مرد به همسر و هم‌سخن شدن با او، روشی پسندیده برای استحکام بنای خانواده است. مردان باید به این نکته کلیدی توجه نمایند که زنان، علاقمند به ارتباط کلامی و گفتگو با شوهر خود هستند و این کار، نوعی توجه و اظهار محبتی است که سبب گرمی زندگی می‌شود.

گرم‌ترین و محکم‌ترین زندگی، برای همسرانی است که دوستی و محبت‌شان برای خدا باشد و یکدیگر را برای خداوند متعال دوست بدانند. نگاه دینی افزون بر سفارش به تلاش و کار، به انس و در کنار هم بودن نیز سفارش می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «در پیشگاه خداوند متعال نشستن مرد نزد همسرش، از اعتکاف در مسجد من محبوب‌تر است».^۲ امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «هُلِكَ بِدَوِي الْمَرْوَةِ أَنْ يَبِيَّتَ الرَّجُلُ عَنْ مَنْزِلِهِ بِالْمِصْرِ الَّذِي فِيهِ أَهْلُهُ»^۳ برای صاحبان مروت و جوانمردی، هلاکت است که در شهری که خانواده‌اش در آن زندگی می‌کند، دور از منزلش شب را به صبح برساند».

توجه به عواطف در اسلام، یک اصل است و برای انسان زندگی در بهترین مکان‌ها، ولی به دور از خانواده، صفایی ندارد. بارها در قرآن آمده است که افراد صالح یک خانواده، در بهشت نیز در کنار هم خواهند بود و از مصاحبت یکدیگر لذت خواهند

۱. نساء: ۲۷.

۲. مسعود بن عیسی ورام ابن ابي فراس؛ مجموعه ورام؛ ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۵۵۵.

برد و خانواده بهستی، خانواده‌ای است که بین اعضای آن همبستگی و صمیمیت در مسیر حق باشد: «جَنَاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ»^۱ (سرای آخرت) باغ‌های جاودانی که آنان و هر کس از پدران و همسران و فرزندان‌شان که صالح بوده‌اند، بدان داخل می‌شوند و فرشتگان از هر دری (برای تبریک و تهنیت) بر آنان وارد می‌شوند». امام کاظم علیه السلام فرمودند:

اوقات خود را چهار قسمت کنید؛ ساعتی برای مناجات با پروردگار و ساعتی برای کار و تلاش و تأمین معاش و ساعتی برای معاشرت با برادران با ایمان، کسانی که عیب‌هایتان را به شما می‌شناسانند و در باطن با شما رو راست و صادق هستند و ساعتی که در آن با لذت‌های حلال خلوت می‌کنید و با همین ساعت بر انجام سه ساعت دیگر نیرو می‌یابید.^۲

این ساعت چهارم، همان حضور در کنار خانواده و بودن با همسر است؛ ساعتی که به تعبیر روایت، انرژی‌بخش بوده و انسان را بر سایر امور کمک می‌کند. آن‌هایی که بیش از اندازه کار می‌کنند تا در آینده به آرامش برسند؛ همین الان با کار معتدل در کنار خانواده خود «آرامش» را جستجو کنند که خداوند، همسر را سبب سکینه و آرامش قرار داده است.

فهرست منابع

۱. ابن ابي فراس، مسعود بن عيسى؛ مجموعة ورام؛ چاپ اول، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. امام زین العابدین علیه السلام، علی بن الحسین؛ الصحیفة السجادية؛ چاپ اول، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ تحقیق مصطفی درایتی؛ چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.

۱. رعد: ۲۳.

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۴۰۹.

۵. حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نورالثقلین؛ تصحیح: هاشم رسولی؛ چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۶. شعیری، محمد بن محمد؛ جامع الأخبار؛ چاپ اول، نجف: مطبعة حیدریه، [بی تا].
۷. صدوق، محمد بن علی؛ النخصال؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۸. _____؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ تصحیح مهدی لاجوردی؛ چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۹. _____؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۰. قرائتی، محسن؛ سیمای خانواده در قرآن و روایات؛ چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۸ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ تحقیق جمعی از محققان؛ چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
۱۳. نوری، حسین بن محمدتقی؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

عفت و پاکدامنی در کلام و سیره حضرت زینب علیها السلام

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

مقدمه

حفظ کرامت و شخصیت انسان و جوامع انسانی، در گرو پاسداری از فرهنگ عفاف است. فاصله گرفتن از فرهنگ عفاف، نه تنها باعث سقوط کرامت و عزت فرد می‌شود؛ بلکه طبق شواهد تاریخی ملت‌ها را از هستی ساقط می‌کند.^۱ ارزش و فضیلت عفاف تا آنجاست که ائمه هدی علیهم السلام در دعاهای خود برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل بودند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام از درگاه خدای متعال چنین درخواست می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالتَّقَىٰ وَالعِفَّةَ»^۲ خدایا من از درگاه تو هدایت و تقوا و عفت می‌خواهم». در این راستا علم اخلاق برای انسان، چهار صفت اصلی اخلاقی «شجاعت»، «عفت»، «حکمت» و «عدالت» را مطرح می‌کند^۳ که «عفت» در میان آن‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد.

معنای عفت

امام جعفر صادق علیه السلام در معنای عفت فرموده است: «وَالْعِفَّةُ وَضِدُّهَا التَّهْتُّنُ»^۴ یکی از سجایای اخلاقی، عفت است که ضد آن، بی‌پروایی است». فخرالدین طریحی در مجمع‌البحرین، واژه عفت را این‌گونه معنا کرده است: «عفت، بازداری روح و روان

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. عبدالکریم پاک‌نیا؛ عفاف سرچشمه زیبایی؛ ص ۱۴.

۲. تقی‌الدین ابراهیم کفعمی؛ مصباح کفعمی؛ ص ۲۸۳.

۳. محمد بن محمد نصیرالدین طوسی؛ اخلاق ناصری؛ ص ۴۸.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۲۱.

از گناهان و دست نیاز دراز نکردن به سوی دیگران است.^۱ راغب اصفهانی نیز گفته است: «عفت، یعنی به وجود آمدن حالتی برای نفس انسان که او را از غلبه یافتن شهوت حفظ می‌کند».^۲

با توجه به اهمیت عفاف و پاکدامنی، این خصلت زیبا را در شکل‌گیری شخصیت و نیز در سیره و سخن حضرت زینب علیها السلام مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. فرزند آیه تطهیر

حضرت زینب علیها السلام در محیطی متولد شد و رشد کرد که مهد عفت و پاکدامنی بود. مادر بزرگش، حضرت خدیجه علیها السلام و مادر ارجمندش حضرت فاطمه علیها السلام عقیف‌ترین و پاک‌ترین زنان عالم هستند. ایشان در خانواده‌ای رشد یافت که قرآن مجید پاکی آنان را امضا نموده است: «**أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**»^۳ خداوند می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

در شأن نزول آیه تطهیر آمده است که این آیه در خانه ام‌سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و هنگام نزول آن افزون بر پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسین علیه السلام نیز حاضر بودند. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله پارچه‌ای خیبری (کساء) را بر روی خود و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسین علیه السلام قرار داد و دست‌ها را به سوی آسمان بالا برد و فرمود: «**اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي... اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا**»^۴ خدایا! اهل بیت من این چهار نفرند... اینان را از هر پلیدی پاک و مطهر گردان». ام‌سلمه از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا من نیز در شمار اهل بیت علیها السلام قرار دارم؟». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تو از همسران رسول خدا و (بر راه) خیر هستی».

در سنن ترمذی^۵ و تفسیر روح المعانی^۶ - از منابع مهم اهل سنت - نیز این معنا تأیید شده است.

۱. فخرالدین طریحی؛ مجمع البحرین؛ ج ۵، ص ۱۰۲.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ ج ۱، ص ۵۷۳.

۳. احزاب: ۳۳.

۴. ر.ک: علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۲، ص ۱۹۳؛ علی بن محمد خراز قمی؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام؛ ص ۶۶؛ مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ ج ۷، ص ۱۳۰.

۵. محمد بن عیسی ترمذی؛ سنن الترمذی؛ ج ۵، ص ۳۲۸.

۶. محمود بن عبدالله آلوسی؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۱، ص ۱۹۵.

۲. وارث خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه ۴۲ آل عمران فرمود: «فُضِّلَتْ خَدِيجَةُ عَلَى نِسَاءِ أُمَّتِي كَمَا فَضِّلَتْ مَرْيَمُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۱ خدیجه علیها السلام بر بانوان امت من برتری دارد، هم چنانکه مریم علیها السلام بر بانوان عالم برتری دارد». نقش مادر در تربیت عقیقانه دختر، بسیار مهم است؛ چنانکه حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت زهرا علیها السلام را عقیقانه تربیت کرد و آن حضرت نیز با تربیت دخترش حضرت زینب علیها السلام، حفظ عفت و عصمت و حجاب را به تمام بانوان عالم آموخت. حضرت زینب علیها السلام در دامان چنین مادری تربیت شده و از تبار چنان مادر بزرگی رشد و نمو یافته است.

۳. ازدواج عقیقانه

ازدواج، یکی از بهترین راهکارهای قرآنی برای حفظ عفت و پاکدامنی است؛ زیرا تشکیل خانواده موفق از عوامل عفت است؛ چه بسا دخترانی که در خانواده‌های عفیف و متدین رشد یافته است، اما به دلیل انتخاب نادرست و وصلت با خانواده غیرمذهبی از حجاب که نشانگر عفت و پاکدامنی است، فاصله می‌گیرند. بنابراین ازدواج با افراد عفیف در تداوم عفت و پاکدامنی اهمیت والایی دارد. حضرت زینب علیها السلام در این زمینه نیز برای جوانان و بانوان، الگوی شایسته‌ای است.

از منظر قرآن، ازدواج و انتخاب همسر از آیات الهی است که آرامش زن و مرد را به دنبال دارد و انس، الفت و مودت در میان زوجین، موهبتی الهی است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۲ و از آیات خداوندی است که برای شما از جنس خودتان، جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یابید و میان شما عشق و محبت و مهربانی قرار داد. در این حقیقت نشانه‌هایی از خداست برای کسانی که اهل تفکرند».

حضرت زینب علیها السلام در عمل به این پیام قرآنی، الگوی تمام دختران و زنان مؤمنه است. وقتی آن حضرت به سن ازدواج رسید، از میان خواستگاران متعدد تقاضای عبدالله بن جعفر بن ابی طالب علیها السلام را پذیرفت. مهریه آن حضرت مطابق مهریه مادرش فاطمه علیها السلام، یعنی ۴۸۰ درهم معین شد.^۳

۱. عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی؛ تفسیر نور الثقلین؛ ج ۱، ص ۳۳۶.

۲. روم: ۲۱.

۳. من علماء البحرين و القطیف؛ وفيات الأئمة؛ ص ۴۳۵.

عبدالله در سرزمین حبشه و در ایام اقامت پدر بزرگوارش، جعفر ابن ابی طالب علیه السلام، متولد شد. مادرش، اسماء بنت عمیس از مسلمانان مهاجر به حبشه است. او نخستین مولود مسلمانان در حبشه بود که در کودکی با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت نمود. پدرش، جعفر، فرمانده اول سپاه اسلام در جنگ موته بود که در مقابل لشکر ۱۰۰ هزار نفری امپراطوری روم جوانمردانه جنگید و بعد از قطع دستانش به شهادت رسید.^۱ عبدالله همواره مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام بود تا اینکه به افتخار دامادی امام علی علیه السلام نائل شد. او درباره محبت امیرالمؤمنین علیه السلام به پدرش جعفر گفته است: «عمویم علی علیه السلام، آنقدر پدرم جعفر طیار را دوست داشت که چون تقاضایی از عمویم داشتم و او را به حق پدرم قسم می‌دادم، آن را می‌پذیرفت».^۲

عبدالله همواره در میدان‌های جنگ جمل و صفین، در حمایت از علی علیه السلام حاضر بود و در جنگ صفین، از سران سپاه اسلام به شمار می‌آمد.^۳ شخصیت‌نگاران اسلامی، عبدالله را به صفاتی چون زیرکی، نکته‌سنجی، خوش‌خلقی، پاکدامنی و بخشندگی ستوده و او را بحرالوجود نامیده‌اند.^۴ نقل است پیامبر صلی الله علیه و آله درباره عبدالله - که در بازی‌های کودکانه فروشندگی را دوست داشت - چنین دعا فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُ فِي صَفْقَةِ يَمِينِهِ»^۵ خدایا به او در کسب و کارش برکت بده» و او به برکت این دعا، یکی از تجار موفق و دارای مال و مقامی شد که بسیار نیز سخاوتمند بود. این دعای پیامبر صلی الله علیه و آله عبدالله را به قطب تجارت و محور سخاوت تبدیل نمود که بعد از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام از نیکوکاران نام‌آشنای مدینه به شمار می‌رفت. کار به جایی رسید که معاویه او را با عنوان سید بنی‌هاشم خطاب می‌کرد، اما عبدالله این لقب را قبول نکرد و آن را مختص به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام دانست.^۶

طرح یک پرسش

در باره عبدالله بن جعفر ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا عبدالله بن جعفر

۱. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۲، ص ۳۲۱.

۲. سید محسن امین عاملی؛ اعیان الشیعة؛ ج ۴، ص ۱۲۶.

۳. عایشه بنت‌الشاطی؛ زینب بطله کربلا؛ ص ۸۱.

۴. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب؛ ج ۳، ص ۸۸۱.

۵. نورالدین جزایری؛ الخصائص الزینبیه؛ ص ۱۶۸.

۶. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج‌البلاغه؛ ج ۶، ص ۲۹۷.

طیار، همسر حضرت زینب علیها السلام، در کربلا حضور نداشت؟

پاسخ: همچنان که در تاریخ آمده عبدالله بن جعفر - شخصیت والا مقام خاندان ابی طالب علیها السلام با سابقه‌ای درخشان - خود عاشق شهادت در رکاب امام حسین علیها السلام در انقلاب کربلا بود و حضرت زینب علیها السلام و دو فرزندش، عون و محمد را با رضایت کامل و علاقه‌مندی با قافله عاشورائیان همراه نموده بود. شیخ مفید در ارشاد می‌نویسد: «أَمَرَ ابْنَتَيْهِ عَوْنًا وَ مُحَمَّدًا بِالزُّومِ وَ الْمَسِيرِ مَعَهُ وَ الْجِهَادِ دُونَهُ»^۱ زمانی که عبدالله بن جعفر یقین نمود که امام حسین علیها السلام به سفر عراق می‌رود، به فرزندانش عون و محمد امر کرد که ملازم حضرتش باشند و با قافله سالار شهیدان همراه باشند و در رکاب امام حسین علیها السلام شمشیر بزنند. بعد از برگشت کاروان عاشورا به مدینه هم، عاشقانه اعلام کرد: «وَ اللَّهُ لَوْ شَهِدْتُهٖ لَأَحْبَبْتُهٖ إِلَّا أَفَارِقَهُ حَتَّى أُقْتَلَ مَعَهُ...»؛ به خدا سوگند! اگر در کنار امام حسین علیها السلام بودم، دوست داشتم هرگز از وی جدا نشوم تا این که در نزد او شهید شوم». بعد ادامه داد: به خدا چیزی که مرا خوشنود می‌کند و در شهادت دو فرزندم دلداری به من می‌دهد، این است که آن دو در رکاب امام حسین علیها السلام به شهادت رسیدند و جان خود را در راه یاری‌اش فدا کرده و بر مصائب شکیبائی ورزیدند. اگر من شخصاً نتوانستم یاری‌اش کنم، دو فرزندم او را یاری کردند.^۲

عبدالله با اینکه علاقه شدید به امام حسین علیها السلام و نهضت الهی‌اش داشت، بنا به دلائلی در کربلا نتوانست حضور یابد و به این توفیق عظیم نائل شود از جمله:
یک. معذور بودن از صحنه جنگ: وی به علت نایب‌نایی نتوانست در کربلا حضور یابد، اما همسرش را با دو پسرش با قافله کربلا همراه نمود^۳ و دو پسرش را سخاوت‌مندانه در راه امام خویش قربانی کرد.

دو. احتمال مأموریت: برخی از صاحب‌نظران هم احتمال مأموریت وی از طرف سیدالشهدا علیها السلام را مطرح کرده‌اند؛^۴ زیرا وجود شخصیت بانفوذی، همچون عبدالله بن جعفر در مدینه می‌توانست از خطراتی که بنی‌هاشم را تهدید می‌کرد، جلوگیری کند.
سه. عدم نگوهرش حضرت زینب علیها السلام: هم‌چنانکه او مشتاقانه حضرت زینب علیها السلام و دو

۱. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد؛ ج ۲، ص ۶۹.

۲. همان، ص ۱۲۴؛ محمد بن جریر؛ تاریخ طبری؛ ج ۴، ص ۳۵۷.

۳. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد؛ ج ۲، ص ۶۹.

۴. نورالدین جزایری؛ الخصائص الزینبیه؛ ص ۱۷۷.

پسرش را روانه کربلا نمود و هنگام بازگشت از حضرت زینب علیها السلام استقبال و دلجویی نمود؛ حضرت زینب علیها السلام هم بعد از حادثه کربلا هرگز عبدالله را به جهت عدم حضور نکوهش نکرد.

چهار. افزون بر عبدالله جعفر، بزرگان دیگری هم مثل جابر بن عبدالله انصاری و محمد حنفیه و ... بودند که برای عدم حضور مذمت نشده‌اند؛ چون یا معذور بودند و یا مأذون بوده‌اند. اگر چه عده‌ای دیگر از متنفذین مطرح همانند سلیمان بن سرد و همفکرانش نه تنها عذر موجهی برای عدم حضور نداشتند؛ بلکه بر عکس تکلیف بر حضور داشتند؛ زیرا امام علیه السلام را دعوت کرده بودند یا مانند عبیدالله بن حر جعفی که امام علیه السلام شخصاً دعوت به همراهی کرده بود.^۱

علامه حلی و علامه مجلسی، دو عالم برجسته شیعه از شخصیت عبدالله جعفر در این زمینه دفاع کرده‌اند و عدم حضور وی را موجه می‌دانند.^۲ آیت‌الله خویی (ره)، شخصیت‌شناس و رجال‌نگار برجسته جهان تشیع هم می‌نویسد: «جلالت عبدالله جعفر به مرتبه‌ای است که نیازی به ستایش دیگران و دفاع از او نیست».^۳

۴. تربیت فرزندان صالح

عفت و پاکدامنی موجب می‌شود که بنیان خانواده مستحکم و بستر به وجود آمدن فرزندان صالح فراهم شود. از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیا و از اساسی‌ترین آموزه‌های قرآنی، تربیت فرزند صالح است و این آرزوی مقدس خانواده‌های عفت‌پیشه، در کلام وحی چنین طرح شده است: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۴ مؤمنان راستین دعا می‌کنند که پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم به ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!

در زندگی زینب کبری علیها السلام این موضوع به وضوح نمایان است که در اثر عفاف خانواده، زمینه تربیت فرزندان صالح مهیا شد و خانواده آن حضرت، از کامل‌ترین

۱. محمد بن علی ابن‌اعثم کوفی؛ الفتوح؛ ج ۵، ص ۷۴؛ گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام؛ موسوعه

کلمات الامام الحسین علیه السلام؛ ص ۳۶۵.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۴۲، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۳. سید ابوالقاسم خویی؛ معجم رجال‌الحدیث؛ ج ۱۱، ص ۱۴۷.

۴. فرقان: ۷۴.

مصادیق این آیه شریفه قرار گرفت و پنج فرزند شایسته به نام‌های عون، محمد، علی، عباس و ام‌کلثوم به جامعه اسلامی تقدیم شد.^۱ شخصیت والای دو تن از آنان در محفل عاشورائیان قرار گرفت.

۵. رعایت عفت در اجتماع

یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه امروز، کم‌رنگ شدن حجاب اسلامی در میان برخی مسلمانان است. اگر چه خیل عظیمی از خانواده‌ها به الگوهای قرآنی و دینی اعتقاد قلبی دارند، اما اگر آنان به زندگی عفیفانه حضرت زینب علیها السلام که یکی از بهترین الگوهای جامعه است، توجه کنند؛ یقیناً در سبک زندگی خود تجدیدنظر خواهند کرد. حضرت زینب علیها السلام با الهام از پیام آسمانی قرآن و بنا بر آموزه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام حجاب و عفت را مانند گوهری ارزشمند برای یک زن مسلمان می‌دانست و بر این باور بود که زن، هنگامی به خدای خود نزدیک‌تر است که خود را از معرض دید مردان بیگانه حفظ کند. از همین رو بود که خود را کاملاً از دید نامحرمان پوشیده نگاه می‌داشت. اهمیت این مسئله زمانی مشخص می‌شود که به نقش عفیفانه پدر در مراقبت از عفاف دختر توجه شود. متأسفانه امروزه برخی خانواده‌ها نسبت به موضوع غیرت پدر و مراقبت از عفت دختران بی‌تفاوت شده‌اند. به دو نمونه و شاهد تاریخی اشاره می‌شود:

الف. امام علی علیه السلام همواره مراقب بود هیچ چشمی قد و قامت دخترش زینب علیها السلام را نبیند و صدای او را نشنود. از این رو به امام حسن علیه السلام می‌فرمود: «أَحْشَى أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ إِلَى شَخْصِ أُخْتِكَ زَيْنَبَ؛^۲ بیم دارم که چشم نامحرم به اندام خواهرت زینب علیها السلام بیفتد.»^۳

ب. شیخ مفید ماجرای ورود به کوفه را از زبان شخصی به نام حذلم بن ستیر، چنین گزارش می‌کند:

وَرَأَيْتُ زَيْنَبَ بِنْتَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَمْ أَرْ خَفِرَةً قَطُّ أَنْطَقَ مِنْهَا كَأَنَّهَا تُفْرَغُ عَنْ لِسَانِ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَقَدْ أُوْمَأَتْ إِلَى النَّاسِ أَنْ اسْكُتُوا - فَازْتَدَّتِ الْأَنْفَاسُ وَ سَكَتَتْ

۱. من علماء البحرين و القطيف؛ وفيات الأئمة؛ ص ۴۳۵؛ محمد بن محمد مفید؛ الارشاد؛ ج ۲، ص ۱۲۵.

۲. همان.

۳. من علماء البحرين و القطيف؛ وفيات الأئمة؛ ص ۴۳۵.

الْأَصْوَاتُ فَقَالَتْ - الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى أَبِي رَسُولِ اللَّهِ أَمَّا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ...^۱ و به راستی که هرگز زنی باحیاط‌تر و سخنورتر از او ندیده بودم. گویی از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام سخن می‌گفت - دختر علی علیه السلام را دیدم که با دست به سوی مردم اشاره فرمود که ساکت شوید - در حال تمام نفس‌ها خاموش و همه صداها فرو نشست؛ سپس فرمود: سپاس از آن خداست و درود بر پدرم رسول‌خدا؛ اما بعد، ای کوفیان... .

شهید مطهری رحمه الله این واقعه را این چنین نقل کرده است:

در دروازه کوفه (دختر علی علیه السلام، دختر فاطمه علیها السلام اینجا تجلی می‌کند)، این زن باشخصیت که در عین حال زن باقی ماند و گرانها؛ خطابه‌ای می‌خواند. روایان چنین نقل کرده‌اند که در یک موقع خاصی زینب علیها السلام موقعیت را تشخیص داد: «وَقَدْ أَوْمَأْتُ النَّاسِ أَنْ اسْكُتُوا فَازْتَدَّتِ الْأَنْفَاسُ وَ سَكَنَتِ الْأَجْرَاسُ»؛^۲ یعنی در آن هیاهو و غلغله که اگر دهل می‌زدند، صدایش به جایی نمی‌رسید؛ گویی نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد و صدای زنگ‌ها و هیاهوها خاموش گشت، مرکب‌ها هم ایستادند (آدم‌ها که می‌ایستادند، قهراً مرکب‌ها هم می‌ایستادند). خطبه‌ای خواند. راوی گفت: «وَلَمْ أَرَوْا اللَّهَ خَفِرَةً قَطُّ انْطَقَ مِنْهَا».^۳ این «خَفِرَةً» خیلی ارزش دارد. «خَفِرَةً» یعنی زن باحیا. این زن نیامد مثل یک زن بی‌حیا حرف بزند. زینب آن خطابه را در نهایت عظمت القا کرد. در عین حال دشمن می‌گوید: «وَلَمْ أَرَوْا اللَّهَ خَفِرَةً قَطُّ انْطَقَ مِنْهَا»؛ یعنی آن حیای زنانگی از او پیدا بود. شجاعت علی علیه السلام با حیای زنانگی در هم آمیخته بود... این است نقش زن به شکلی که اسلام می‌خواهد؛ شخصیت در عین حیا، عفاف، عفت، پاکی و حریم. تاریخ کربلا به این دلیل مذکر - مؤنث است که در ساختن آن، هم جنس مذکر عامل مؤثری است، ولی در مدار خودش و هم جنس مؤنث در مدار خودش. این تاریخ به دست این دو جنس ساخته شد.^۴

۱. محمد بن محمد مفید؛ *الأمالی*؛ ص ۳۲۱.

۲. محمدباقر مجلسی؛ *بحار الأنوار*؛ ج ۴۵، ص ۱۰۸.

۳. همان.

۴. مرتضی مطهری؛ *مجموعه آثار*؛ ج ۱۷، ص ۴۰۹.

دفاع از عفت اهل بیت علیهم السلام

زینب کبری علیها السلام در شام و در میان نامحرمان، از عفاف و حجاب دفاع می‌کرد. در مجلس یزید به اهمیت حجاب اشاره کرد و به یزیدیان نهیب زد:

أَمِنَ الْعَدْلُ يَا بَنَ الطُّلُقَاءِ؟! تَحْدِيثُكَ حَرَائِرُكَ وَإِمَاءُكَ؟؛ وَسَوْفَكَ بَنَاتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبَّأِيَا؟؛ قَدْ هَتَكَتِ سُتُورَهُنَّ وَأَبْدَيْتِ وُجُوهَهُنَّ؛ تَحْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ؛ وَ يَسْتَشْرِفُهُنَّ أَهْلُ الْمَنَاهِلِ وَالْمَنَاقِلِ؛ وَيَتَصَفَّحُ وُجُوهَهُنَّ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ وَالذَّنِيُّ وَالشَّرِيفُ؛^۱ ای پسر آزادشدگان (کسانی که جدمان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فتح مکه اسیرشان کرد و سپس آنان را آزاد نمود) آیا این عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده بنشانی؟ و دختران رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی؟ پوشش آنان را دریدی و روی آنان را گشودی تا دشمنان، آنان را از شهری به شهر دیگر ببرند و بومی و غریب چشم به آنها بدوزند و نزدیک و دور، شریف و غیرشریف چهره آنان را بنگرند.

حضرت زینب علیها السلام ضمن رساندن پیام مقاومت حماسه عاشورا از کربلا تا شام، از عفاف و پاکدامنی خود و خاندان عصمت و طهارت نیز با تمام وجود مراقبت و محافظت نمود که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود.

حمایت از دختران امام حسین علیهم السلام

فاطمه بنت الحسین علیها السلام روایت کرده است که چشم یکی از شامیان سرخ‌گون در مجلس یزید به من که دختری زیباچهره بودم، افتاد. به یزید گفت: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَبْ لِي هَذِهِ الْجَارِيَةَ؛ ای امیر مؤمنین! این کنیزک را به من ببخش». بدنم از این سخن به رعشه افتاد و لرزه سراپای مرا فرا گرفت و گمان کردم چنین واقعه شومی اتفاق می‌افتد. بی تابانه لباس عمه‌ام، زینب علیها السلام را گرفتم و به دامن او پناهنده شدم. عمه‌ام که می‌دانست هیچ‌گاه چنین اتفاقی نمی‌افتد، خطاب به آن مرد شامی گفت: «كَذَّبْتَ وَاللَّهِ وَ لَوْ مَتَّ وَاللَّهِ مَا دَلَّكَ لَكَ وَلَا لَهُ؛ به خدا دروغ می‌گویی و برای همیشه مورد سرزنش و ملامت خواهی بود. چنان نیست که پنداشته‌ای. نه تو می‌توانی به این مقصود برسی و نه یزید می‌تواند چنین اقدامی کند». یزید خشمگین شد و گفت: «دروغ می‌گویی. من

۱. احمد بن علی طبرسی؛ الإحتجاج علی اهل اللجاج؛ ج ۲، ص ۳۰۸؛ محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛

می‌توانم به او دست پیدا کنم و اگر بخواهم، اراده خود را عملی می‌کنم». عمه‌ام، زینب علیها السلام فرمود: «هیچ‌گاه به مراد خود نمی‌رسی و خدا تو را توان چنین منظوری نخواهد داد و هر‌گاه بخواهی بیش از این در انجام این منظور پافشاری نمایی، باید از آیین ما دست برداری و به دین دیگران درآیی». یزید از شدت خشم پریشان شد و گفت: «با مثل منی چنین سخن می‌گویی و مرا به بی‌دینی نسبت می‌دهی؟! همانا برادر و پدر تو از دین خارج شدند» و با عصبانیت ادامه داد: «وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أَفْعَلَ لَفَعَلْتُ؛ و اگر بخواهم، اراده خود را عملی می‌کنم». عمه‌ام، زینب علیها السلام فرمود: «كَلَّا وَاللَّهِ مَا جَعَلَ اللَّهُ لَكَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مِلَّتِنَا وَتَدِينَ بغيرها؛^۱ به خدا قسم! هرگز نمی‌توانی، مگر آنکه از دین اسلام و از ملت محمد صلی الله علیه و آله خارج شوی و به دین و آیین دیگری درآیی». سپس فرمود: «ای یزید! تو به دین پدر و برادرم هدایت شدی. جدت به دست آن‌ها اسلام آورد و آزاد شد. تو آزاد شده پدرم هستی». یزید گفت: «دروغ می‌گویی ای دشمن خدا!». عمه‌ام، زینب علیها السلام فرمود: «أَنْتَ أَمِيرٌ تَشْتُمُ ظَالِمًا وَتَهْتَهُرُ بِسُلْطَانِكَ؛ امروز به خاطر غرور سلطنت موقتی، ستمگرانه به خاندان رسالت ناسزا می‌گویی! (و این روزها خواهد گذشت و حقیقت روشن خواهد شد)». یزید در مقابل پاسخ‌های شجاعانه و قاطع عمه‌ام، زینب کبری علیها السلام چاره‌ای جز سکوت ندید.^۲

فهرست منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله؛ شرح نهج‌البلاغه؛ چاپ دوم، قاهره: دار‌احیاء‌الکتب العربیة، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی؛ الفتوح؛ بیروت: نشر دار‌الأضواء، ۱۴۱۱ق.
۳. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله؛ الاستیعاب فی معرفة‌الاصحاب؛ چاپ دوم، حیدرآباد: دایرة‌المعارف‌النظامیة، ۱۳۳۶ق.
۴. امین عاملی، سید محسن؛ اعیان‌الشیعة؛ چاپ اول، بیروت: دار‌التعارف، ۱۳۰۴ق.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ روح‌المعانی فی تفسیر‌القرآن؛ بیروت: دار‌الکتب‌العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۶. بنت‌الشاطی، عایشه؛ زینب بطله کربلا؛ تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۹۱ش.

۱. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد؛ ج ۲، ص ۱۲۱.

۲. همان.

۷. پاک‌نیا، عبدالکریم؛ عفاف سرچشمه زیبایی؛ قم: انتشارات نور الزهراء علیها السلام، ۱۳۹۰ ش.
۸. ترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن الترمذی؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۹. جزایری، نورالدین؛ الخصائص الزینبیه؛ بیروت: دارالحوراء، ۱۴۲۵ ق.
۱۰. خراز قمی، علی بن محمد؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام؛ قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث؛ قم: مرکز نشر الثقافة الاسلامیة فی العالم، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ چاپ اول، بیروت - دمشق: دار القلم - دار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج علی اهل اللجاج؛ چاپ اول، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ طبری؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۶. طوسی، نصرالدین محمد بن محمد؛ اخلاق ناصری؛ تهران: نشر علمیه اسلامیة، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین؛ قم: نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ چاپ دوم، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. کفعمی، تقی‌الدین ابراهیم؛ مصباح کفعمی؛ بیروت: نشر اعلمی، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق.
۲۱. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیهم السلام؛ موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام؛ قم: نشر معروف، ۱۴۱۶ ق.
۲۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ تهران: نشر صدرا، ۱۳۸۴ ش.
۲۴. مفید، محمد بن محمد؛ الارشاد؛ قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۲۵. _____؛ الامالی؛ قم: کنگره شیخ مفید علیه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. من علماء البحرین و القطیف؛ وفيات الأئمة؛ قم: نشر الرضی، ۱۴۱۵ ق.
۲۷. نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴ ق.

نگاهی به ویژگی‌های خانواده مطلوب از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

مقدمه

خانواده، رکن اساسی هر جامعه و نقطه آغازین زندگی اجتماعی انسان‌ها و نخستین کانون تمدن و آرامش بشری است. استحکام این بنای مقدس، چشم‌اندازهای روشنی را در افق پیشرفت اجتماع ترسیم خواهد کرد. از نگاه اسلام، خانواده یکی از نهادهای زیربنایی بنیاد هستی و از ساختارهای اصلی جامعه است؛ زیرا «جامعه مطلوب» با وجود «خانواده مطلوب» شکل می‌گیرد. در منظومه فکری مقام معظم رهبری علیه السلام، خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا از نظر ایشان خانواده سالم و سلامت جامعه می‌تواند زیرساخت‌های جامعه سالم ایجاد کند؛ چنانکه فساد جامعه نیز با فساد خانواده گره خورده است. رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام در قالب پیام، سخنرانی و نوشتار، ویژگی‌های متعددی مانند «قداست»، «صمیمیت»، «معنویت»، «محبت»، «دینداری» و «آرامش» را برای خانواده اسلامی بیان کرده است؛ بدین معنی که اگر خانواده این مؤلفه‌ها را داشته باشد، «خانواده مطلوب» یا «خانواده خوب» به شمار می‌آید: «خانواده خوب یعنی، زن و شوهری که با هم مهربان باشند، با وفا و صمیمی باشند و به یکدیگر محبت و عشق بورزند...»^۱ در این مقاله به برخی از ویژگی‌های خانواده اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری علیه السلام اشاره می‌شود.

* کارشناس علمی گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی.

۱. خطبه عقد؛ ۱۳۷۷/۰۹/۱۲.

حفظ قداست خانواده

پیوند زناشویی در زندگی انسان‌ها، نقطه عطفی است که می‌تواند صدها پیروزی و کامیابی یا شکست را به دنبال داشته باشد. ازدواج شایسته می‌تواند اساس سعادت و بهروزی همسران را بنیان نهد، در حالی که ازدواج بد ممکن است منشأ بزرگ‌ترین تیره‌روزی همسران را پایه‌گذاری کند؛ از این روست که جوامع انسانی همواره نگاه خاص و ویژه‌ای به خانواده داشته و آداب و رسوم اجتماعی خود را بر اساس آن اعمال می‌کرده‌اند.^۱ استاد شهید مطهری رحمته‌الله می‌نویسد: «یک پختگی و پویایی وجود دارد که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود، در مدرسه پیدا نمی‌شود، در جهاد با نفس پیدا نمی‌شود، در نماز شب پیدا نمی‌شود. این کمالات را فقط در تشکیل خانواده می‌توان به دست آورد».^۲ در روایات نیز تشکیل خانواده به ساختن بنایی تشبیه شده که نزد خدا محبوب است؛ چنانکه رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ التَّزْوِيجِ»^۳ بنایی در اسلام نزد خدا، محبوب‌تر از ازدواج نیست».

در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام، یکی از ویژگی‌های مهم خانواده، شناخت جایگاه و حفظ قداست آن است؛ آن‌گونه که هر گاه حرمت آن حفظ شود، «جامعه خوب» نیز شکل می‌گیرد؛ از همین روست که ایشان فرموده است:

مسئله خانواده، مسئله بسیار مهمی است؛ پایه اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است؛ نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت می‌کند یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت می‌کند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست ... مسئله اینقدر اهمیت دارد...^۴

ایشان در جای دیگری فرموده است:

هم‌چنانکه بدن انسان از سلول‌ها تشکیل شده که نابودی و فساد و بیماری سلول‌ها

۱. عبدالله جوادی آملی؛ خانواده متعادل و حقوق آن؛ ص ۲۶.

۲. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۲، ص ۹۴۲.

۳. حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الأخلاق؛ ص ۱۹۷.

۴. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی؛ ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

به‌طور قهری و طبیعی، معنایش بیماری بدن است و اگر توسعه پیدا کند، به جاهای خطرناکی برای کل بدن انسان منتهی می‌شود؛ همین‌طور جامعه هم از سلول‌هایی تشکیل شده که این سلول‌ها، خانواده‌اند. هر خانواده‌ای یکی از سلول‌های پیکره اجتماع و بدنه اجتماع است. وقتی این‌ها سالم بودند، وقتی این‌ها رفتار درست داشتند، بدنه جامعه یعنی آن پیکره جامعه سالم خواهد بود.^۱

متأسفانه امروزه اهمیت و قداست خانواده کم‌رنگ شده و طلاق و برگزاری جشن برای آن در جامعه شیوع پیدا کرده است؛ در حالی که طلاق در گذشته‌ها، مذموم بود و خانواده‌ها از انجام آن هراس داشتند. با توجه به اهمیت و بایستگی حفظ حرمت خانواده است که مقام معظم رهبری علیه السلام در موارد متعدد و به‌ویژه هنگام خواندن خطبه عقد، همواره از خانواده به عنوان نعمت الهی یاد^۲ و بر قداست آن تأکید کرده‌اند: «دختران و پسران باید بکوشند از پیوند مقدس زناشویی پاسداری کنند. این هدف، تنها وظیفه یکی از آن‌ها نیست که بگوییم یکی از آن‌ها همواره مشکلی پدید آورد و دیگری همیشه تحمل کند؛ بلکه باید هر دو به هم کمک کنند...»^۳.

دینداری

دین، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای جامعه بشری از گذشته تا کنون است؛ به گونه‌ای که بشر هیچ‌گاه خارج از این پدیده زندگی نکرده است؛ زیرا دین با رسوخ به درون انسان در همه لحظات، در خلوت و آشکار، در جمع و تنهایی، در آرامش و سختی، اندیشه و عمل وی را تحت تأثیر قرار داده است.^۴ بر این اساس هر اندازه دینداری آدمی قوی‌تر باشد، رعایت حد و حدود شرعی کامل‌تر و پای‌بندی به اصول خانواده بیشتر خواهد بود و بالعکس هر چه دینداری ضعیف‌تر باشد، به همان اندازه می‌تواند به استحکام و پایداری خانواده آسیب

۱. خطبه عقد؛ ۱۳۸۱/۰۳/۰۸. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21429>

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای؛ ازدواج؛ ناموس طبیعت، دستور شریعت. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21428>

۳. ر. ک: محمدجواد حاج علی‌اکبری؛ مطلع عشق (گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به زوج‌های جوان)؛ ص ۳۱.

۴. سیده زهرا موسوی و دیگران؛ «بررسی میزان پایبندی به مناسک و رفتارهای دینی و عوامل مؤثر بر آن»؛ جامعه‌شناسی مطالعات جوانان؛ ص ۱۵۶.

برساند. از همین روست که اجرا کردن دستورات و آموزه‌های دینی؛ نقش بنیادینی در مصونیت‌بخشی خانواده از آسیب‌ها دارد و مؤثرترین عامل استحکام خانواده و تربیت فرزندان به شمار می‌آید. این در حالی است که نادیده گرفتن آموزه‌های دینی در خانواده‌ها، موجب بروز مشکلات جدی در خانواده و تربیت فرزندان می‌شود. حاصل تحقیقی درباره پرونده‌های دختران فراری، نشان‌دهنده بی‌دینی خانواده‌های آنان و یا التزام به دینداری در حد صفر بوده است.^۱ نتیجه یک نظرسنجی از ۷۰ دختر فراری نگهداری شده در بهزیستی تهران نیز گویای آن است که ۹۴ درصد آن‌ها در خانواده‌هایی زندگی می‌کرده‌اند که سطح اعتقاد و آگاهی‌شان از مذهب و التزام عملی به دین، در حد بسیار پایینی است.^۲

یکی از ویژگی‌های خانواده اسلامی، دینداری است. اجرای احکام اسلام در خانواده، موجب کاهش آسیب‌های وارد شده به آن و ایجاد محیط امن‌تر برای فرزندان می‌شود؛ چنانکه رهبر معظم انقلاب علیه السلام فرموده است:

در تشکیل خانواده و در حفظ آن، باید احکام اسلامی را رعایت کرد تا خانواده، سالم و در اوج باقی بماند. از این رو در خانواده‌های دیندار که زن و شوهر به این حدود اهمیت می‌دهند، سال‌های متمادی بدون ناخسندی با هم زندگی می‌کنند... اگر روش‌های اسلامی رواج یابد، خانواده‌ها مستحکم‌تر خواهد شد؛ چنانکه در گذشته‌های ما زمانی که هنوز ایمان مردم سالم‌تر و کامل‌تر بود، خانواده، کانونی پایدار و مطمئن بود. زن و شوهر به هم علاقه‌مندتر بودند. فرزندان در محیط‌های امن و سالم‌تری پرورش می‌یافتند. حالا هم راه همین است.^۳

همواره میان دینداری خانواده و رضایت‌مندی زن و شوهر، رابطه معناداری وجود داشته و دارد؛ یعنی هر اندازه نگرش دینی افراد قوی‌تر باشد، رضایت آنان از زندگی افزایش می‌یابد. به عبارتی هر اندازه اعتقاد به خداوند و دستوراتش محکم‌تر باشد، زندگی زناشویی از ثبات بیشتری برخوردار و آرامش بیشتری در خانواده حاکم

۱. علی احمد پناهی؛ «نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده»؛ مجله معرفت اخلاقی؛ ص ۷۷ - ۹۶.

۲. همان.

۳. ر.ک: محمدجواد حاج علی‌اکبری؛ مطلع عشق (گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به زوج‌های جوان)؛ ص ۲۶.

خواهد بود.^۱

دینداری نشانه‌هایی دارد که در عرصه‌های مختلف زندگی و از جمله رعایت بیت‌المال نمود پیدا می‌کند. همان‌گونه که خانواده دیندار به رعایت حلال و حرام بسیار پایبند است؛ آحاد افراد جامعه و به‌ویژه مسئولین باید در رعایت بیت‌المال دقت کنند؛ زیرا امانت‌دار اموال مردم هستند. چنانکه رهبر معظم انقلاب علیه السلام همواره نسبت به بیت‌المال حساسیت و دقت ویژه‌ای دارند. آیت‌الله جوادی آملی ضمن نقل خاطره‌ای در این باره می‌گوید:

روزی مهمان مقام معظم رهبری بودم. فرزند ایشان آقا مصطفی نیز نشسته بود که سفره گسترده شد. آیت‌الله خامنه‌ای به وی نگاهی کرد و فرمود: شما به منزل بروید. من خدمت ایشان عرض کردم: اجازه بفرمایید آقا زاده هم باشند. من از وی درخواست کرده‌ام که با هم باشیم. آقا فرمودند: این غذا از بیت‌المال است، شما هم مهمان بیت‌المال هستید. برای بچه‌ها جایز نیست که بر سر این سفره بنشینند. ایشان به منزل بروند و از غذای خانه میل کنند. من در آن لحظه فهمیدم که خداوند چرا این همه عزت به حضرت آقا عطا فرموده است.^۲

یکی از شاخصه‌های دینداری، معنویت است. در حقیقت معنویت، حلقه مفقوده زندگی انسان در تمامی عرصه‌ها و جهت‌دهنده سلوک آدمی است. وجود معنویت در زندگی فردی و خانوادگی، آثار فراوانی به دنبال دارد؛ هم‌چنانکه فقدان آن می‌تواند آثار مخربی در زندگی فرد، خانواده و جامعه ایجاد کند. در واقع معنویت فرد، خانواده و جامعه را در برابر بیماری‌های اخلاقی و روحی حفظ می‌کند.^۳ مقام معظم رهبری علیه السلام درباره نقش معنویت در خانواده فرموده است: «ما باید با فساد مبارزه‌ای جدی آغاز کنیم؛ باید بنیان خانواده را محکم و نخستین و اصلی‌ترین پرورشگاه آدمی

۱. علی احمد پناهی؛ معرفت اخلاقی؛ «نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت واستحکام خانواده»؛ مجله معرفت اخلاقی؛ ص ۸۰.

۲. خبرگزاری تسنیم؛ «نگاهی به سلوک و ساده‌زیستی مقام معظم رهبری»؛ ۱۳/۰۳/۱۳۹۳، کد خبر: ۳۹۰۶۲۳. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/390623>

۳. محمدجواد رودگر؛ «کارکردهای معنویت در عرصه‌های اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری»؛ مطالعات معنوی؛ ص ۶۴.

را کانون محبت، صفا، عاطفه و معنویت سازیم.^۱ قرآن درباره تأمین فضای معنوی در خانواده می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»^۲ و خانواده‌ات را به نماز فرمان ده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز». برپایی نماز نه تنها موجب نشاط درونی فرد نمازگزار می‌شود؛ بلکه زمینه استرس و اضطراب را در میان اعضای خانواده محدود می‌کند. نماز و یاد خدا، زمینه معنویت و نورانیت را در دل اعضای خانواده ایجاد می‌کند و به آنان آرامش و اطمینان می‌بخشد. همچنین با مهار بی‌عفتی در خانواده، زمینه بروز بحران در خانواده به حداقل می‌رسد؛ زیرا بی‌عفتی، بنیان خانواده را سست می‌کند. چنانکه قرآن یکی از ویژگی‌های نمازگزاران را پاکدامنی و حفظ عفت معرفی می‌کند: «وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرُوجِهِمْ حَافِظُونَ»^۳ نمازگزاران کسانی هستند که دامان خود را محافظت می‌کنند.

بنا بر آمار میان رعایت امور معنوی و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی، رابطه معنادار وجود دارد. بنابراین اگر والدین و به‌ویژه مادر در خانواده به امور معنوی مانند نماز و قرآن خواندن اهمیت دهند، فرزندان به این امور گرایش بیشتری پیدا می‌کنند. چنانکه تحقیق انجام شده روی ۳۶۰ نفر از دانش‌آموزان، گویای نقش مهم و بی‌بدیل والدین در جذب فرزندان خود به فریضه نماز است.^۴

مقام معظم رهبری علیه السلام درباره نقش مادر بزرگوارش در معنویت‌گرایی خود فرموده است:

من دعا و مناجات را از مادرم یاد گرفتم! آنچه که آن وقت برای من مطرح بود و عملاً وجود داشت، این بود که اهل دعا و ذکر و ... اعمالی که وارد شده بود، بودم. مثلاً یادم است هنوز بالغ نبودم که اعمال روز عرفه را به‌جا آوردم... آن وقت من یادم است که با مادرم - چون مادرم هم خیلی اهل دعا و توجه و اعمال مستحبی بود - می‌رفتیم یک گوشه حیاط که سایه بود. منزل ما حیاط کوچکی داشت. آنجا فرش

۱. بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل؛ ۱۳۶۶/۰۶/۳۱.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8089>

۲. طه: ۱۳۲.

۳. معارج: ۲۹.

۴. کریم سواری و همکاران؛ «بررسی دیدگاه‌های فلسفی - عقیدتی دانش‌آموزان پسر پایه سوم مقطع متوسطه شهر اهواز در مورد نماز»؛ مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ ص ۸.

پهن می‌کردیم؛ چون مستحب است که زیر آسمان باشد. هوا گرم بود؛ آن سال‌هایی که الآن در ذهنم مانده، یا تابستان بود یا شاید پاییز بود، روزها نسبتاً بلند بود. در آن سایه می‌نشستیم و ساعت‌های متمادی، اعمال روز عرفه را انجام می‌دادیم. هم دعا داشت، هم ذکر و هم نماز... دوره جوانی و نوجوانی من این‌گونه بود.^۱

مادر بزرگوار شهید آیت‌الله بهشتی نیز می‌گوید: «در دوران بارداری فرزندم، روزی یک جزء قرآن می‌خواندم و این قرائت قرآن احساس آرامش [خاصی] به من می‌داد. در موقع شیر دادن هم رو به قبله می‌نشستم و با وضو به او شیر می‌دادم و احساس می‌کردم هر وقت ناراحتی می‌کرد، موقع قرآن خواندن آرامش خاصی پیدا می‌کرد و به تلاوت من گوش می‌داد». ^۲ ایشان در ادامه می‌گوید: «من در طول مدت بارداری فرزندم سید محمد، ۹ بار قرآن را ختم کردم. موقع شیر دادن فرزندم هم قرآن می‌خواندم و وقتی تلاوت من قطع می‌شد، ایشان شیر نمی‌خورد». ^۳

آرامش

از نظر روان‌شناسان محیط خانواده بهنجار، امن‌ترین و رضایت‌بخش‌ترین بستر برای ارضای نیازهای روانی و به‌ویژه آرامش روانی است. محبت، غمخواری و پذیرش یکدیگر که از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ضروریات زندگی اجتماعی است، به بهترین نحو در خانواده بهنجار تأمین می‌شود^۴ و ارضای نیازهای عاطفی و آرامش حاصل از آن، می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات باشد. در چنین خانواده‌ای زن و مرد به دلیل روابط صمیمی و خوب، در زمان غم و اندوه به راحتی در کنار همسر خود به آرامش می‌رسند. اگر چه رهبری خانواده به عهده مرد است، ولی زن به سبب عواطف و احساسات قوی زنانگی، نقش اصلی و مؤثرتری را در تأمین آرامش و

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای؛ از فرصت عرفه استفاده کنیم؛

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27789>. ۱۳۹۳/۰۷/۲۰

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان؛ «سیره شهید بهشتی»؛ ۱۳۸۹/۰۴/۰۷، کد خبر: ۱۲۸۶۷۲.

<https://article.tebyan.net/128672>

۳. همان.

۴. علی احمد پناهی؛ معرفت اخلاقی؛ «نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده»؛ مجله معرفت اخلاقی؛ ص ۸۱.

سلامت روانی خانواده ایفا می‌کند؛ از همین روست که در خانه مسئولیت‌های بیشتری به زن داده شده است.^۱ مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره فرموده است:

انسان در تلاطم‌های زندگی که ناشی از برخوردهای ناگزیر است، به دنبال یک فرصت می‌گردد تا به آن پناه برد. اگر یک زوج باشند، در این تلاطم‌ها به یکدیگر پناه می‌برند؛ زن به شوهرش پناه می‌برد و شوهر هم به زنش پناه می‌برد. مرد در کشاکش زندگی مردانه خود، احتیاج به یک لحظه آرامشی دارد تا بتواند راه را ادامه بدهد. آن لحظه آرامش کی است؟ همان وقتی است که او در محیط سرشار از محبت و عطوفت خانوادگی خودش قرار می‌گیرد. با همسر خودش که به او عشق می‌ورزد، با اوست، در کنار اوست و با او احساس یگانگی می‌کند. وقتی با همسر خود مواجه می‌شود، این همان لحظه آسایش و آرامش است.^۲

ایشان همچنین با استناد به آیه ۲۱ سوره روم درباره آرامش در خانواده فرموده است: اسلام در بیان قرآن در چند جا، این آفرینش زن و مرد و در نهایت زوجیت آن‌ها را، برای آرامش زن و مرد شناخته است. در قرآن آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»^۳ آمده است: خدای متعال زوج آدمی را از جنس او قرار داد. زوج زن را و زوج مرد را از جنس خود او قرار داد، «یسکن الیها» تا اینکه آدمی بتواند - چه مرد و چه زن - در کنار شوهر یا همسر احساس آرامش کند. این آرامش، سکونت و نجات از تلاطم‌های روحی و اضطراب‌های زندگی است...^۴

همسر گرامی ایشان می‌گوید:

فکر می‌کنم بزرگ‌ترین نقش من، حفظ جو آرامش خانه بود؛ طوری که ایشان بتوانند با خیال راحت به کارشان ادامه دهند. من سعی داشتم تا ایشان را از نگرانی

۱. مجید معارف و احمد قماشچی؛ «عوامل آرامش خانواده در سبک زندگی امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام»؛ مطالعات راهبردی زنان، ص ۱۱۹.

۲. خطبه عقد؛ ۱۳۸۱/۰۶/۰۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21429>

۳. روم: ۲۱؛ ر.ک: ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۶، ص ۳۲۸.

۴. ر.ک: محمدجواد حاج علی‌اکبری؛ مطلع عشق (گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به زوج‌های جوان)؛ ص ۷۲.

در مورد خود و فرزندانم دور نگهدارم. گاهی اوقات که برای ملاقات ایشان به زندان می‌رفتم، از مشکلاتی که داشتیم؛ چیزی به ایشان نمی‌گفتم و در پاسخ به سؤالاتشان درباره وضعیت خودم و فرزندان صرفاً خبرهای خوب می‌دادم. برای مثال طی ملاقات‌هایی که با ایشان در زندان داشتم یا در نامه‌هایی که در دوران تبعید برای ایشان می‌نوشتیم، هرگز چیزی در مورد بیماری فرزندان نمی‌گفتم و نمی‌نوشتیم.^۱

محبت

یکی از ویژگی‌های مهم خانواده، مودت و محبت است؛ چنانکه در آیه ۲۱ روم از محبت بین زن و شوهر با واژه مودت و رحمت یاد شده است: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». منظور از مودت، دوست داشتن همراه با خیرخواهی است. مودت، به معنای محبتی است که اثر آن در مقام عمل ظاهر می‌شود؛ در نتیجه نسبت مودت به محبت، نسبت خضوع به خشوع است؛ زیرا خضوع، در حقیقت خشوعی است که اثر آن در مقام عمل هویدا می‌شود.^۲ رحمت، عنصر بسیار مؤثر و سازنده‌ای در اعتلای خانواده و مهربانی میان اعضای خانواده است. از این رو یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است؛ زیرا زن و شوهر در محبت و مودت، ملازم یکدیگرند.^۳

در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب علیه السلام، «محبت در خانواده» سرمایه مهمی است که ریشه الهی دارد:

سرمنشأ این چشمه جوشان، اقیانوس بی‌ساحل مهر الهی است. خدای رحمان رحیم و رؤوف لطیف، به اراده حکیمانه خود جذبه‌ای از این شعله آسمانی را میان زوج جوان قرار می‌دهد تا از آینه‌ای نزدیک و به مدد اندیشه‌ای بادوام، هر یک به تماشای نشانه‌ای برجسته از آیات جمال و لطف الهی بنشینند... این محبت، گریه‌ای است که

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای؛ «همسر صبور»؛ ۱۳۹۷/۱۱/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=44844>

۲. سید محمدحسین طباطبایی؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۱۶، ص ۱۶۶.

۳. همان.

خداوند به دست لطف خویش بین دو قلب جوان می‌اندازد و مهریه عرشی، یک پیوند ماندگار و با طراوت است. سرمایه‌ای است که اگر حفظ شود... تلخی‌ها را شیرین و سختی‌ها را آسان می‌کند.^۱

ایشان در کلام دیگری فرموده است: «دختر و پسر، عروس و داماد به هم محبت بورزند؛ چون محبت آن ملاطی است که این‌ها را برای هم حفظ می‌کند... محبت، خانواده را پایدار می‌کند. اگر در زندگی محبت وجود داشت، سختی‌های بیرون خانه آسان خواهد شد. برای زن هم سختی‌های داخل خانه آسان خواهد شد».^۲

فهرست منابع

کتاب

۱. جوادی آملی، عبدالله؛ خانواده متعادل و حقوق آن؛ چاپ سوم، قم: مؤسسه اسراء، ۱۳۹۷ش.
۲. حاج علی اکبری، محمدجواد؛ مطلع عشق (گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به زوج‌های جوان)؛ چاپ پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۴. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الأخلاق؛ چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۵. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۲ش.
۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چاپ دهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

مقالات و سایت‌ها

۷. پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان؛ «سیره شهید بهشتی»؛ ۱۳۸۹/۰۴/۰۷، کد خبر: ۱۲۸۶۷۲.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای؛ «بالاتر از واقعیت»؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21433>. ۱۳۸۶/۰۸/۱۹
۲. همان.

۸. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای.
۹. پناهی، علی‌احمد؛ «نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده»؛ نشریه معرفت اخلاقی؛ سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۸۹، ص ۹۶ - ۷۷.
۱۰. خبرگزاری تسنیم؛ «نگاهی به سلوک و ساده‌زیستی مقام معظم رهبری»؛ ۱۳/۰۳/۱۳۹۳، کد خبر: ۳۹۰۶۲۳.
۱۱. رودگر، محمدجواد؛ «کارکردهای معنویت در عرصه‌های اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری»؛ مطالعات معنوی؛ شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۲، ص ۸۶ - ۵۹.
۱۲. سواری، کریم و همکاران؛ «بررسی دیدگاه‌های فلسفی - عقیدتی دانش‌آموزان پسر پایه سوم مقطع متوسطه شهر اهواز در مورد نماز»؛ مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ سال هشتم، دوره سوم، شماره‌های ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۰ - ۱.
۱۳. معارف، مجید و احمد قماشچی؛ «عوامل آرامش خانواده در سبک زندگی امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام»؛ مطالعات راهبردی زنان؛ دوره اول، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۲۴ - ۹۳.
۱۴. موسوی، سیده زهرا و همکاران؛ «بررسی میزان پایبندی به مناسک و رفتارهای دینی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان زنجان)»؛ جامعه‌شناسی مطالعات جوانان؛ دوره اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۷۳ - ۱۴۹.

رفتارشناسی فرماندهان شهید دفاع مقدس در خانواده

حجت الاسلام والمسلمین رضا آبیاری*

اشاره

محیط خانواده، محل رشد روحی، معنوی و فکری اعضای خانواده است. رفتارهایی که در این محیط حساس از افراد سر می‌زند، در شکل‌گیری روحیه و شخصیت اعضای خانواده نقش مهمی دارد. از این رو، پدیده جهانی‌سازی فرهنگی با تمرکز بر کانون خانواده‌ها، بر آن است تا انسان معاصر را به انسانی بی‌هویت، بی‌الگو و بی‌فرهنگ تبدیل کند. نخبگان فرهنگی برای هویت بخشیدن به زندگی انسانی، می‌کوشند از رهگذر مطرح کردن اسطوره‌ها و قهرمانان خود، از ارزش‌های فرهنگی محافظت نمایند. از این رو ترویج و تبیین مهارت‌های رفتاری و سبک زندگی شهیدان به عنوان الگوهای عینی و محبوب جامعه ما، ضمن اینکه گام مؤثری در سالم‌سازی و نهادینه کردن رفتارهای دینی و آرامش‌بخش در این کانون تأثیرگذار است، زمینه‌های رشد و بالندگی نهاد خانواده را نیز فراهم می‌آورد. با نگاهی به زندگی خانوادگی فرماندهان شهید دفاع مقدس، می‌توان گفت بیشتر همسران شهدا نسبت به دوران زندگی با شهید، احساس رضایتمندی و خوشبختی داشته‌اند. فهم درست از آموزه‌های اسلام و شناخت دقیق روحیات و رفتارهای زنان همراه با معیار قراردادن تقوا و رضایت الهی، زمینه‌های موفقیت و خوشبختی را در زندگی شهیدان فراهم آورده است. این نوشتار بر آن است برخی از اصول رفتاری فرماندهان شهید را در خانواده مورد بررسی قرار دهد.

* کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی.

۱. پیشگیری از گناه در خانواده

یکی از صفات بندگان شایسته و عبادالرحمان، ندادن شهادت بر خلاف حق و مشغول نشدن به لهو و لعب است؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»^۱ و کسانی که شهادت به باطل نمی‌دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند». این افراد نه تنها خود از گناه دوری می‌کنند؛ بلکه می‌کوشند محیط پیرامونی خود را نیز از آلودگی گناه، پاک کنند و برای محقق شدن این امر نیز از روش‌های مختلفی بهره می‌برند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. امر به معروف و نهی از منکر

اسلام، امر به معروف و نهی از منکر را برای سالم‌سازی بستر تربیتی افراد، به عنوان یکی از واجبات دین مطرح کرده است. توجه اسلام به این مسئله تا جایی است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، کسانی را که پیش چشم‌شان گناهی صورت گیرد، ولی واکنشی از خود نشان ندهند، بی‌دین معرفی کرده و فرموده است: «خدای متعال بنده ضعیفی را که دین ندارد، دشمن می‌دارد». از آن حضرت سؤال شد: «مؤمن ضعیفی که دین ندارد، چه کسی است؟». حضرت فرمود: «آن کس که گناه را می‌بیند، ولی نهی از منکر نمی‌کند».^۲

نهی از منکر و پیشگیری از گناه، یکی از مهم‌ترین مصادیق دینداری است. دینداری نه تنها یکی از عوامل مهم تحکیم خانواده به شمار می‌آید؛ بلکه تأثیر بسیاری نیز بر سلامت روابط خانوادگی و استحکام آن دارد. در نظر گرفتن رضای الهی و عمل به دستورات اسلام بدون توجه به تعارفات معمول و مرسوم خانوادگی، از جمله ظرافت‌ها و مهم‌ترین دلایل موفقیت شهیدان در انجام این فریضه مهم دینی در محیط خانواده است.

همسر شهید محمد حسن فایده،^۳ درباره حساسیت این شهید نسبت به گناه غیبت در

۱. فرقان: ۷۲.

۲. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۶، ص ۱۲۲.

۳. شهید محمد حسن فایده در اسفند سال ۱۳۳۸ در بیرجند متولد شد. ایشان دانشجوی تیب جوادالائم علیه السلام مشهد بود که در عملیات والفجر یک در سال ۱۳۶۲ به شهادت رسید.

خانواده می‌گوید:

روزی بر سفره با یکدیگر غذا می‌خوردیم که از من پرسید: «چه خبر؟». من هم از رفتن به منزل یکی از اقوام و خریدهایی که داشتند، تعریف کردم... او نگاهی به سفره انداخت و با نرمی خاصی گفت: «شما بهتر از من می‌دانید که غیبت کردن، یعنی گوشت مرده برادر دینی خود را خوردن. دوست داری چنین گوشتی در سفره ما باشد؟ پس بیا غیبت نکنیم».^۱

زندگی مشترک، محل رشد معنوی اعضای خانواده است و این مسئله مهم، در سایه عمل به دستورات الهی به دست می‌آید.

ب. توجه خاص به بیت‌المال

یکی از دیگر روش‌های پیشگیری از گناه، دقت و مواظبت بر مصرف بیت‌المال است. مادر شهید مصطفی طالبی،^۲ درباره رعایت ظرافت‌های اخلاقی به‌ویژه توجه خاص به مصرف بیت‌المال از سوی شهید می‌گوید:

در زمان جنگ، یک کامیون خوراکی آورد و داخل زیرزمین خانه ریخت. کمک‌های مردمی به جبهه بود. از آنجا که مکان مناسبی برای نگهداری نداشتند، آن‌ها را به خانه می‌آورد و به تناوب، به جبهه می‌برد. روزی برادر کوچکش می‌ثم، حسابی گریه می‌کرد. من هم برای اینکه او را ساکت کنم، رفتم و از میان همان خوراکی‌ها، یک شکلات برداشتم و به او دادم. مصطفی که آمد و موضوع را متوجه شد، ابراز ناراحتی کرد. همان لحظه از خانه بیرون رفت تا مانند همان شکلات را بخورد و بیاورد. آن روز جمعه بود و مصطفی آنقدر گشته بود تا یک شکلات مثل همان پیدا کند و سر جایش بگذارد. می‌گفت: «بیت‌المال مسلمین است و گناه دارد».^۳

ج. عدم تعارف با افراد در احکام شرعی

رعایت احکام شرعی و دستورات الهی، وظیفه هر مسلمانی است. از آنجا که انسان به سبب سرشت خود، از هم‌نوعان خود تأثیرپذیر است، همنشینی با افرادی که

۱. خدیجه ابول‌اولا؛ افلاکیان؛ ص ۲۵۳.

۲. شهید مصطفی طالبی در خرداد ۱۳۳۹ متولد شد. ایشان فرمانده گردان لشکر انصارالحسین علیه السلام همدان بود که در خرداد ماه ۱۳۷۴ پس از سال‌ها تحمل عوارض ناشی از مجروحیت شیمیایی، شربت شهادت نوشید و به لقاءالله پیوست.

۳. مرجان فولادوند؛ اینک شوکران(۲)؛ ص ۹.

نسبت به مسائل شرعی کم‌اهمیت هستند و در عمل به احکام و مسائل شرعی، با سستی عمل می‌کنند؛ می‌تواند تأثیرات سوئی بر زندگی آدمی بگذارد. از این رو برای پاک‌سازی محیط خانواده از گناه، باید در برخورد با این افراد به صورت جدی، اما مهربان به آنان تذکر داد و از تعارفات معمول پرهیز کرد. یکی از نزدیکان شهید یونس زنگی آبادی^۱ می‌گوید:

در زمان جنگ، چند بار حاج یونس به مرخصی آمد و هر بار می‌آمد، به آشنایان و اقوام سر می‌زد. روزی به شوهرم گفتم: «برو از حاجی سؤال کن که چرا به منزل ما نمی‌آیی؟». او نیز رفته و از حاجی درباره علت نیامدنش سؤال کرده بود. حاج یونس در جواب گفته بود: «هر وقت حساب سال خودت را انجام دادی و بدهی خمس مالت را پرداخت کردی، به منزل شما می‌آیم». وقتی موضوع را متوجه شدیم، همسر رفت و حساب مالش را انجام داد و به حاج یونس هم اطلاع دادیم. از آن به بعد هر وقت به مرخصی می‌آمد، به ما هم سری می‌زد.^۲

کنار گذاشتن تعارفات مرسوم خانوادگی همراه با حفظ حرمت فرد مقابل، یکی از ظرافت‌های رفتاری این شهید عزیز بوده است که برای رضای خدا تذکر داده و عواقب و تأثیر آن را نیز به خداوند متعال سپرده بود.

د. تذکر و جریمه در مقابل ارتکاب گناه

یکی دیگر از راهکارهای پیشگیری از گناه، تذکر زبانی و عملی در مقابل گناه انجام شده است. تذکر زبانی و به‌ویژه تذکر عملی مانند قراردادن جریمه برای گناه صورت گرفته، سبب می‌شود فرد خاطی هر گاه در معرض ارتکاب خطا و گناه قرار گیرد، با یادآوری آن تنبیه و جریمه از ارتکاب مجدد پرهیز کند. مادر شهید علی اصغر کلاته سیفیری^۳ درباره عکس‌العمل شهید در برابر گناه در محیط

۱. شهید یوسف زنگی آبادی در سال ۱۳۴۰ در شهر کرمان متولد شد. ایشان فرمانده تیپ امام حسین علیه السلام در لشکر ۴۱ ثارالله کرمان بود که در عملیات کربلای ۵ در سال ۱۳۶۵ به شهادت رسید.

۲. محمد ناصری؛ حاج یونس؛ ص ۱۸.

۳. شهید علی اصغر کلاته سیفیری در سال ۱۳۳۸ در سبزوار متولد شد. ایشان فرمانده گردان لشکر خراسان بود که در عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲ به شهادت رسید.

خانه می گوید:

اگر کسی در محیط خانه زبانش به دروغ یا غیبت باز می شد، حتماً به او تذکر می داد. علی اصغر برای اینکه از بروز گناه در میان اعضای خانواده جلوگیری کند، طرح جالبی را اجرا کرد. روزی صندوقی درست کرده بود. همه اعضای خانواده را جمع کرد و گفت: «هر کس از این به بعد خدای ناکرده غیبت کرد و یا دروغ گفت، باید مقداری پول به عنوان جریمه داخل این صندوق بیندازد. پولهای جمع آوری شده هم صرف کمک به رزمندگان می شود». البته کم پیش می آمد که افراد این کارها را بکنند، اما این طرح علی اصغر باعث شد که اعضای خانواده غفلت نداشته باشند و وارد گناه نشوند و به یکدیگر هم در مورد گناه نکردن تذکر بدهند.^۱

ایجاد ابتکار و خلاقیت در محیط خانه برای پیشگیری از بروز گناه، می بایست متناسب با شرایط و فرهنگ خانه و خانواده باشد. اینکه ابتکار مورد نظر طوری باشد که ضمن توجه دادن اعضای خانواده به پرهیز از گناه، به حفظ شخصیت و حرمت افراد نیز کمک کند؛ از جمله نکاتی است که در سیره این شهید بزرگوار دیده می شود.

۲. پرهیز از دلبستگی به دنیا و توجه به زندگی اخروی

دنیا، پلی برای رسیدن به زندگی جاوید اخروی است؛ از همین روست که در روایات نیز آن را به مرزعه‌ای تشبیه کرده‌اند که آدمی هر چه در آن بکارد، در زندگی اخروی همان را برداشت می کند: «الدُّنْيَا مَرْعَةٌ الْآخِرَةُ».^۲ بهره‌وری مفید از این دنیا و توشه‌سازی برای زندگی جاوید اخروی، نیازمند رعایت مسائلی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌رود.

الف. ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی

قناعت و ساده‌زیستی در زندگی به معنای آنچه نیاز انسان است، یکی از ویژگی‌هایی است که اسلام به آن بسیار اهمیت داده است؛ به گونه‌ای که اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان پیشگامان عمل به این اصل مهم، همواره پیروان خود را نیز به رعایت آن توصیه

۱. طیبیه دلفندی؛ وقت قنوت؛ ص ۱۳۵.

۲. ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی؛ مجموعه ورام؛ ج ۱، ص ۱۸۳.

می‌کردند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره فرموده است: «خيارُ أُمَّتِي الْقَانِعُ؛^۱ بهترین امت من، قناعت‌کنندگان هستند». نقل است شخصی از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام درباره آیه شریفه «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»^۲ سؤال کرد. حضرت فرمود: «هِيَ الْقَنَاعَةُ؛^۳ منظور قناعت است». توجه به این اصل تأثیرگذار در زندگی سبب می‌شود انسان در سایه رحمت الهی، زندگی بابرکت و سودمندی را داشته باشد؛ آن‌گونه که در دنیا سربلند و خوشبخت و در آخرت سعادت‌مند باشد. ساده‌زیستی و رعایت کفاف در زندگی مشترک، یکی از درخشان‌ترین جلوه‌های زندگی خانوادگی شهادت است. همسر شهید یوسف کلاهدوز^۴ درباره رعایت اصل ساده‌زیستی توسط ایشان می‌گوید:

یوسف می‌توانست بهترین امکانات را داشته باشد و تا آخر عمر در رفاه و آسایش زندگی کند. روزی پدرم به او گفت: «من برای شما بهترین ماشین و خانه را خریداری می‌کنم و هر امکاناتی را که لازم داشته باشید، در اختیار شما می‌گذارم تا به راحتی زندگی کنید». یوسف هم خیلی خونسرد گفت: «پدر! این‌ها که مال دنیاست و به دنیا باقی می‌ماند؛ من دیگر خودم را شناخته‌ام... خدا را هم شناخته‌ام، این‌ها برای من ارزش نیست، و از اینکه به فکر من هستید، تشکر می‌کنم».^۵

رعایت ساده‌زیستی و دوری از تجمل در حال تمکن و داشتن مال و اموال از جمله پیام‌های مهم این خاطره است. در سیره این شهید عزیز، راحتی برای خدمت بهتر و یا دیگر توجیهاات مرسوم، جایگاهی نداشته است.

قناعت و ساده‌زیستی شهید سید محمدتقی رضوی^۶ نیز از زبان مادرش، شنیدنی است. ایشان می‌گوید:

۱. ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحه؛ ص ۴۶۳.

۲. نحل: ۹۷.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ حکمت ۲۲۹.

۴. شهید یوسف کلاهدوز در سال ۱۳۲۵ در قوچان متولد شد. ایشان قائم مقام سپاه پاسداران بود که در مهر ماه ۱۳۶۰ در حادثه سقوط هواپیما به شهادت رسید.

۵. اصغر فکوری؛ یک سجده تا بهشت؛ ص ۲۰.

۶. شهید سید محمدتقی رضوی در سال ۱۳۳۴ در مشهد متولد شد. ایشان معاون قرارگاه خاتم‌الانبیا بود که در عملیات کربلای ۱۰ در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

آقا تقی بعد از ازدواج به تربت حیدریه و از آنجا هم به اهواز رفت. مدتی از او خبری نداشتم تا اینکه در ایام عید برای دیدن او به اهواز رفتم. وقتی وارد خانه او شدم، خیلی تعجب کردم. آقا تقی در سپاه مسئولیت داشت و انتظار بهتری از زندگی او داشتم. گریه‌ام گرفته بود. تمام زندگی او در دو عدد پتو و تعدادی ظرف و ظروف خلاصه می‌شد. هر بار به او می‌گفتم که فرصتی برای رفاه و آسایش خودتان بگذارید، می‌گفت: «جنگ، واجب‌تر است».^۱

ساده‌زیستی شهید رضوی، به معنای استفاده کردن از امکانات ضروری زندگی بوده است. درک شرایط جامعه و ترجیح دادن جنگ و جهاد به داشتن یک زندگی راحت به عنوان تکلیف شرعی، می‌تواند بیانگر درک درستی از مفهوم قناعت از سوی این شهید باشد.

ب. حمایت از تولید داخلی و پرهیز از استفاده از اجناس لوکس خارجی

یکی از مصادیق ساده‌زیستی، توجه و حمایت از تولید داخلی و پرهیز از استفاده از اجناس لوکس خارجی است. همسر شهید عبدالمهدی مغفوری^۲ درباره دقت و توجه شهید به استفاده از اجناس داخلی می‌گوید:

روزی که برای بردن جهیزیه‌ام اقدام کردیم، به من گفتم: «این همه وسایل و امکانات را برای چه می‌خواهی؟». حرفش این بود که این همه وسایل برای یک زندگی ساده، زیاد است. بالاخره هم فقط امکانات ضروری زندگی را به خانه خودمان بردیم. آن روز می‌خواستیم پرده‌های اتاق را نصب کنیم. با مهربانی به من گفتم: «خانم، این پرده‌ها خیلی تجملاتی است. با پول این‌ها می‌شود چند پرده ساده خریداری کرد». یادم هست که چند دست استکان فرانسوی داشتم. همان موقع به من گفتم: «زهرای جان، چرا ما نباید از تولیدات خودمان استفاده کنیم؟ الان نظام ما، اسلامی است و این استکان‌ها مال غربی‌هاست».^۳

نوع ادبیات شهید در بیان مصادیق تجمل‌گرایی به همسر و انتقال خواسته خود درباره

۱. اصغر فکوری؛ ستاره‌ها؛ ص ۵۵.

۲. شهید عبدالمهدی مغفوری در سال ۱۳۳۵ در کرمان به دنیا آمد. ایشان فرمانده گردان لشکر ۴۱ ثارالله بود که در عملیات کربلای ۴ در سال ۱۳۶۵ به شهادت رسید.

۳. اصغر فکوری؛ کوچه پروانه‌ها؛ ص ۴۴.

پرهیز کردن از استفاده از اجناس خارجی، از جمله نکات جالب توجه و ظرافت‌های اخلاقی شهید در رعایت مسئله ساده‌زیستی است.

ج. توجه به شرایط اقتصادی اطرافیان

یکی دیگر از مصادیق ساده‌زیستی و قناعت، توجه به شرایط اقتصادی اطرافیان در عین تمکن مالی است. مادر شهید حجت‌الاسلام فرهاد با‌زیار^۱ نیز درباره دنیاگریزی، ساده‌زیستی و توجه به شرایط اقتصادی اطرافیان این شهید بزرگوار می‌گوید:

اصلاً دوست نداشت لباس نو و فاخر بپوشد. وقتی به او اصرار می‌کردم، می‌گفت: «برخی دوستان من از نظر اقتصادی ضعیف هستند و قدرت خرید این‌گونه لباس‌ها را ندارند. اگر من بپوشم، شاید احساس حقارت کنند». یکی از برنامه‌های ثابت او و دوستانش، جلسات قرآن بود. آن هفته قرار بود جلسه در منزل ما برگزار شود. من افزون بر چای، مقداری شیرینی هم تهیه کرده بودم. بعد از پایان جلسه و رفتن همه افراد، فرهاد به من گفت: «خیلی از افرادی که در جلسه بودند، توان خریدن شیرینی را نداشتند که بخواهند برای نوبت خود و برگزاری جلسه قرآن، با شیرینی از دیگران پذیرایی کنند؛ آن وقت احساس شرمندگی می‌کنند». از آن به بعد هر وقت نوبت به منزل ما می‌رسید، ما هم فقط چای می‌دادیم. او خیلی ساده زندگی می‌کرد و اصلاً اهل تجملات نبود.^۲

توجه به اطرافیان و بستگانی که از نظر اقتصادی وضعیت مناسبی ندارند، چه در مهمانی‌ها و تجمع‌های خانوادگی و چه در دیگر محافل، یکی از جنبه‌های مهم رعایت اصل ساده‌زیستی است که از سیره این شهید بزرگوار استفاده می‌شود.

د. کم‌توقعی و قناعت در شروع زندگی مشترک

همسر شهید حجت‌الاسلام عبدالله میثمی^۳ نیز درباره توجه شهید میثمی به اصل ساده‌زیستی و قناعت می‌گوید:

۱. شهید فرهاد با‌زیار در سال ۱۳۴۱ در میانه به دنیا آمد. ایشان مبلغ فعالی در جبهه بود که در منطقه هورالهویزه در سال ۱۳۶۲ به شهادت رسید.

۲. عبدالکریم اباذری؛ حماسه‌سازان همیشه جاوید؛ ص ۷۶.

۳. شهید عبدالله میثمی در سال ۱۳۳۴ در اصفهان متولد شد. ایشان نماینده امام علیه السلام در قرارگاه خاتم‌الانبیاء بود که در عملیات کربلای ۴ در سال ۱۳۶۵ به شهادت رسید.

مدتی از ازدواج مان گذشته بود. روزی آقا عبدالله به منزل پدرم آمد تا اجازه بگیرد و مرا به خانه خودش ببرد و زندگی مشترکمان را شروع کنیم. مادرم به او گفت: «مریم هنوز خیلی کارها را بلد نیست و از همه مهم‌تر اینکه جهیزیه خاصی هم ندارد. بگذارید یک وقت دیگر»، اما آقا عبدالله که می‌خواست به دور از هر گونه تجملات، زندگی ساده و معمولی را آغاز کنیم؛ گفت: «ما که چیز خاصی نیاز نداریم. یک اتاق که داریم و یک فرش و یک یخچال؛ چیز بیشتری هم که نیاز نداریم». خلاصه مادرم را راضی کرد و ما زندگی ساده و صمیمی خودمان را در یک اتاق کوچک و با لوازم ضروری زندگی شروع کردیم.^۱

کم‌توقعی نسبت به همسر و خانواده او و رعایت اصل قناعت به‌ویژه در ابتدای زندگی از سویی و معیار قرار دادن آرامش از سوی دیگر، از جمله پیام‌های این خاطره تأثیرگذار است.

از آنجایی که فرماندهان شهید، همواره رضایت الهی را معیار و ملاک انجام اعمال خود قرار می‌دادند، از همان آغاز زندگی مشترک با در نظر داشتن شرایط جامعه و توقع مردم از یک رزمنده و وضعیت معیشتی عموم مردم، می‌کوشیدند زندگی ساده و به دور از تجملی داشته باشند. اگر چه در برخی موارد امکان داشت با استفاده از اموال پدری، سرمایه شخصی و یا وضعیت مالی همسر و خانواده وی، زندگی مرفهی را تشکیل دهند؛ اما با ملاک قرار دادن زندگی بزرگان، به حداقل‌ها و ضروریات زندگی، اکتفا کردند و امروز به الگویی سازنده برای نسل حاضر و آیندگان شدند.

فهرست منابع

۱. اباذری، عبدالکریم؛ حماسه‌سازان همیشه جاوید؛ چاپ اول قم: شاکر، ۱۳۸۹ش.
۲. ابن ابی‌فراس؛ مسعود بن عیسی؛ مجموعه ورام؛ چاپ اول قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.
۳. ابول‌اولا، خدیجه؛ افلاکیان؛ چاپ اول مشهد: کنگره سرداران شهید استان خراسان، ۱۳۸۱ش.
۴. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج‌الفصاحه؛ چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل‌الشیعه؛ چاپ دوم، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ق.

۱. مه‌السادات معرک‌نژاد و شبنم غفاری؛ چهل روز دیگر؛ ص ۳.

۶. دل‌قندی، طیبیه؛ وقت قنوت؛ چاپ اول مشهد: کنگره سرداران استان خراسان و نشر آفتاب، ۱۳۸۲ ش.
۷. شریف‌الرضی، محمد بن حسین؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۸. فکوری، اصغر؛ ستاره‌ها؛ چاپ اول مشهد: کنگره سرداران شهید استان خراسان، ۱۳۸۰ ش.
۹. _____؛ کوچه پروانه‌ها؛ چاپ اول کرمان: لشکر ۴۱ ثارالله، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. _____؛ یک سجده تا بهشت؛ چاپ اول کرمان: لشکر ۴۱ ثارالله، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. فولادوند، مرجان؛ اینک شوکران (۲)؛ چاپ اول تهران: روایت فتح، ۱۳۸۵ ش.
۱۲. معرک‌نژاد، مه‌السادات و شبنم غفاری؛ چهل روز دیگر؛ چاپ اول اصفهان: کنگره سرداران شهید استان اصفهان، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. ناصری، محمد؛ حاج بیونس؛ چاپ اول کرمان: لشکر ۴۱ ثارالله، ۱۳۷۶ ش.

عفاف در خانواده

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ناصر رفیعی محمدی *

مقدمه

جامعه از رودخانه‌ها و چشمه‌های کوچک خانواده‌ها شکل گرفته است. اگر این چشمه‌ها و رودخانه‌ها گل‌آلود و مسموم باشد و آب آن نیز مناسب نباشد؛ نباید توقع داشت که آن دریا و آن اقیانوس هم آب خوبی داشته باشد. مدارس، مراکز، دانشگاه‌ها، شهرها، روستاها، اجتماعاتی تشکیل شده از خانواده‌های مختلف هستند. به همین دلیل است که اسلام توجه عمیقی به نهاد اجتماعی خانواده داشته و آیات متعددی در این رابطه نازل شده است. نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»^۱ یعنی بهترین شما، کسی است که برای خانواده‌اش بهترین باشد. بعضی افراد در بیرون از خانه، خودشان را خوب نشان می‌دهند. در محیط خودشان را کار خیلی عالی نشان می‌دهند. با همکار، رفیق و دوست در کوچه در خیابان خوب هستند، اما در خانه خوب نیستند. رسول‌خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خَيْر وَ شَرُّ شما را با خانواده‌تان می‌سنجند. بهترین شما، کسی است که خانواده‌اش از او بیشتر راضی باشد. من که پیغمبر شما هستم، بهترین شما در همه جهات از جمله در رسیدگی به خانواده هستم». سپس فرمودند: «مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَثِيمٌ...»^۲ مردها و افرادی که زن‌هایشان را تحقیر می‌کنند، لثیم هستند و آن‌هایی که خانواده‌هایشان را تکریم می‌کنند، کریم هستند». ملاک پستی و کرامت ملاک برتری

* عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۰، ص ۱۷۱؛ حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الأخلاق؛ ص ۲۱۶.

۲. ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)؛ ص ۴۷۲.

و سقوط، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «از زن‌هایشان پرسید، ببینید آیا مردان خانواده‌شان را تحویل می‌گیرند یا نه؟ زن‌هایشان را تکریم می‌کنند یا نه؟ آدم‌های باکرامت، به کسی اهانت و او را تحقیر نمی‌کنند». این ملاکی است که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به ما داده است. آن حضرت در سخن دیگری فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ» و دو بار لعنت کرد کسی را که حق عیال و خانواده‌اش را ضایع کند، حقیقتش را نادیده بگیرد و به آن‌ها بی‌توجهی کند: «مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يُعْوَلُ...»^۱. این‌ها نکاتی است که در دین، آیات و روایات ما مطرح شده است. هیچ نهاد، مرکز و مذهبی به زیبایی اسلام و قرآن در مورد حقوق خانواده سخن نگفته است.

یکی از حقوق و نکات مهم در اخلاق خانوادگی، بحث حجاب و عفاف است. معضل کنونی جامعه ما که متأسفانه به رسانه‌هایمان نیز راه پیدا کرده است، عدم رعایت فرهنگ عفاف، حجاب و عدم رعایت پوشش و حریم مرد و زن است. قرآن دو شخصیت را به عنوان مظهر عفاف، حجاب و حیا معرفی کرده است: حضرت یوسف علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام. البته بعضی از مفسرین از آیاتی که درباره این دو شخصیت سخن گفته است، چنین برداشت کرده‌اند که مقام حضرت مریم علیها السلام در این بعد، به یک معنا بالاتر از حضرت یوسف علیه السلام است. قرآن کریم هر دو شخصیت را ستوده است.

عفاف حضرت یوسف علیه السلام

بنا بر آیات قرآن، وقتی یوسف علیه السلام در اتاق در بسته، در برابر گناه قرار گرفت: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ»^۲؛ زلیخا به دنبالش می‌دوید: «وَهُمْ بِهَا»، یوسف علیه السلام هم جوان و زیبا و مجرد بود، طبیعتاً میل جنسی داشت: «لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهٖ»^۳. لطف خدا و زمینه‌ای که در وجودش بود، جلوی این میل جنسی‌اش را گرفت و او را نجات داد. حضرت یوسف علیه السلام از این جهت الگویی شایسته برای مردان جامعه امروز ماست.

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۴، ص ۱۲؛ محمد بن علی صدوق؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ ج

۲، ص ۶۸.

۲. یوسف: ۲۴.

۳. یوسف: ۲۴.

عفاف حضرت مریم علیها السلام

الگوی دوم حضرت مریم علیها السلام است. وقتی مریم علیها السلام تنها نشسته بود، دید مردی به طرفش می‌آید. مریم علیها السلام به آن مرد اهتمام نورزید؛ بلکه او را نهی از منکر و امر به معروف کرد، گفت: «إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ»^۱ من از تو به خدا پناه می‌برم. سپس گفت: «إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا؛ اگر تقوا دارید و پرهیزگارید». این، همان حرفی که درباره یوسف علیها السلام گفته شد: «لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»^۲. این دو شخصیت، مظهر عفاف هستند. برهان رب، یوسف علیها السلام را نجات داد و حضرت مریم علیها السلام به خدا پناه برد که هر دو حالت به تقوا، خویشتن‌داری و عفاف بر می‌گردد. در بعضی روایات آمده است وقتی قیامت می‌شود و به بعضی افراد که مرتکب معصیت زنا یا فحشا یا بی‌بند و باری شدند می‌گویند چرا این کار را کردید؟ می‌گویند: جوان بودیم، زیبا بودیم؛ یوسف علیها السلام را می‌آوردند و به آن فرد گنهکار می‌گویند بین تو زیباتر هستی یا یوسف؟ برای زنان گنهکار نیز حضرت مریم علیها السلام را می‌آورند و می‌گویند این مریم، مادر عیسی است. بین تو نسبت به او برتری داری یا او نسبت به تو؟

دستور قرآن نسبت به عفاف و حجاب

قرآن در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: رعایت پوشش توسط افراد جامعه دارای دو اثر است. به این دو اثر دقت کنید، آن‌گاه روزنامه‌ها را بخوانید، اخبار را گوش کنید. ببینید این آیه چقدر زیبا در جامعه پیاده می‌شود! می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ؛ ای پیامبر **«قُلْ لِرِزْوَانِكُمْ»**؛ به همسرانت بگو؛ یعنی رهبر و مدیر یک جامعه ابتدا باید خانواده خودش را اصلاح کند. اگر انسان ابتدا خانواده خودش را اصلاح نکند و به خانواده‌اش تذکر ندهد، نمی‌تواند به مردم تذکر بدهد. از این روست که خدا از همسران پیامبر شروع کرد و گفت: ای پیامبر به زنان بگو، **«وَبَنَاتِكَ»**؛ به دخترانت هم بگو، **«وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ»**، سپس به زنان مردم، به زنان مؤمنان بگو. **«يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ»**؛ - جلباب به معنای همان پارچه‌های بلند مثل چادر است - این جلباب و پارچه‌ها را از روی سر پایین ببندازند و مثل چادر و مانتوهای بلند در بیاورند؛ به گونه‌ای که یقه و مو پیدا نباشد. این آیه، آیه حجاب در قرآن است و به صراحت

۱. مریم: ۱۸.

۲. یوسف: ۲۴.

به زنان می‌گوید این پوشش از بالای سر تا پایین را بیاندازند که بدنشان را بپوشانند. «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ»، این کار باعث می‌شود که به عنوان یک زن مسلمان آزاد و با حجاب شناخته شوند، و میان آنان و زنان بی‌حجاب و غیر متدین فرق باشد. پوشیدن جلباب، زن مسلمان را شاخص و از دیگران جدا می‌کند، و به زن شخصیت می‌دهد. نقل است روزی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نشسته بودند، دختر بچه‌ای وارد شد. هر کسی دستی به سرش کشید. انسان به بچه کوچک عواطف شهوانی ندارد، غلبه احساسی و عاطفی است. وقتی دختر بچه نزد امام رضا علیه السلام رسید، حضرت پرسید چند سالش است؟ گفتند پنج سالش است. امام با دست اشاره کرد او را ببرند، سپس فرمود دیگر بی‌حجاب در جمع نیاید.

خانمی که امام زمان علیه السلام به دیدن او آمد

مرحوم آقا سید محمدباقر سیستانی - رضوان الله تعالی علیه - می‌گوید: من تصمیم گرفتم به گونه‌ای خدمت آقام امام زمان علیه السلام برسم، لذا چهل جمعه در مسجد محله‌مان مراسم زیارت عاشورا رفتم - این زیارت معتبر، مستند و قابل اعتماد و وارد از امام باقر و امام صادق علیهما السلام است؛ زیارتی که آثار دنیوی و اخروی اش بی‌نظیر است - ایشان می‌گویند تنها نیتیم این بود که آقا امام زمان علیه السلام را زیارت کنم. در یکی از این جمعه‌ها احساس کردم حال خوشی دارم. زیارت عاشورا را که خواندم، از مسجد بیرون آمدم. بوی عطر خوشی از خانه نزدیک مسجد می‌آمد و نوری از آن به بیرون می‌تابید. مردم از کنار این خانه عبور می‌کنند و نگاه نمی‌کنند، ولی این نور مرا به خودش جلب کرد. جلوتر رفتم. دیدم در باز است، با خودم گفتم: اجازه دارم وارد شوم. وقتی وارد شدم، دیدم جنازه‌ای روی زمین است که روی آن هم پارچه‌ای کشیده‌اند. ناگهان متوجه حضور آقای نورانی در کنار این پیکر شدم، با چهره‌ای که در روایات ما توصیف شده است. وقتی سلام کردم، متوجه شدم آقا و مولایم، حجة بن الحسن علیه السلام هستند. این قضیه در بیداری اتفاق افتاده است. صاحب «عبرئ الحسان»، مرحوم نهاوندی - رضوان الله تعالی علیه - و صاحب «النجم الثاقب»، فراوان از این دیدارها نقل کرده‌اند که همه درست است. اینکه گفته‌اند: شما ادعای رؤیت نکنید، خواسته‌اند کسی دکان باز نکند. گاهی بعضی‌ها ادعای نیابت می‌کنند و از طرف آقا خط و کاغذ می‌آورند، پارچه می‌آورند و بدین وسیله از مردم سوءاستفاده می‌کنند.

امکان رؤیت برای سید بحرالعلوم، مقدس اردبیلی و شخصیت‌های بزرگ فراهم بوده است. آن‌ها نیز هیچ وقت نخواستند از این طریق از مردم سوءاستفاده کنند؛ بلکه ارتباط شخصی برای خودشان بوده است. اگر این دیدار پیامی هم داشته است، نقل کرده‌اند. مرحوم محمدباقر سیستانی این داستان را در اواخر عمرش نقل می‌کند و می‌گوید دیدم آقا نشستند، فرمودند: محمدباقر، دنبال من می‌گردی؟ من اینجا هستم. گفتم: آقا، اینجا بالای سر این جنازه چه می‌کنید؟ فرمودند: این خانم از دنیا رفته است. آمده‌ام در مراسم شرکت کنم. پرسیدم: مگر این خانم کیست؟ آیا از اولیاء است؟ امام فرمودند: این خانم در کشف حجاب رضاخانی و دوران مبارزه با حجاب، هفت سال از خانه‌اش بیرون نرفت برای اینکه مجبور می‌شد حجابش را بردارد، لذا کنار بدنش آمده‌ام.

عفاف حضرت موسی علیه السلام

مرحوم علی بن ابراهیم قمی - اعلی الله مقامه الشریف - در تفسیری که منسوب به ایشان است، نقل می‌کند وقتی ابن‌عمران دید دختران شعیب جلوی او راه افتادند و باد لباسشان را بالا می‌برد، گفت: شما پشت سر من بیایید، من جلو می‌روم. گفتند: راه را بلد نیستی. گفت: من جلو می‌روم، هر کجا اشتباه رفتم، سنگی بیندازید من راه را پیدا می‌کنم.^۱

شیطان به حضرت یحیی علیه السلام گفت: دو سلاح، برنده‌ترین سلاح و پشتوانه من است: یکی از آن‌ها غضب است. انسانی که غضب می‌کند، مرتکب قتل می‌شود، جنایت می‌کند و در واقع گرفتار خطاها و معصیت‌های بیشتری می‌شود. سلاح دیگر زنان نامحرم است. این دو نور چشم و برنده‌ترین سلاح من هستند. در طول تاریخ یکی از حربه‌هایی که دشمن همیشه برای انحراف جامعه استفاده کرده است، همین حربه بدحجابی و گسترش فساد در جامعه بوده است.

گسترش فساد، عامل شکست آندلس

مسلمانان ۸۰۰ سال در آندلس حکومت کردند. اندلس یا همان اسپانیای امروزی در سال ۹۲ هجری فتح شد و در سال ۸۹۸ سقوط کرد. مسلمانان ۸۰۶ سال در اسپانیای

۱. علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۲، ص ۱۳۸.

فعلی حکومت داشتند. مسیحی‌ها چه کار کردند که این جامعه را از اسلام به مسیحیت برگرداندند؟ با ترویج فساد، کاباره‌ها، مراکز شراب، کلوپ‌های شبانه، استفاده از وجود زنان و دختران زیبای مسیحی در پارک‌ها، هویت جوان مسلمان را گرفتند و به راحتی بر او حاکم شدند. آن‌ها از این طریق توانستند مسلمانان را مسیحی کنند.^۱

شبه‌ترانی، عامل شکست لشکر موسی علیه السلام

قوم موسی علیه السلام چگونه شکست خورد و بلعم باعورا چگونه توانست جلوی پیروزی آن‌ها را بگیرد؟ در روایت دارد بلعم گفت: زنان و دختران را آرایش کنید و بین لشکر موسی بفرستید. آن‌ها به این وسیله مرتکب فحشا می‌شوند و بیماری به سراغ آن‌ها می‌آید. طاعون در لشکر موسی علیه السلام افتاد و بیست هزار نفر از لشکرش از بین رفتند و پشت دروازه‌های انطاکیه ماندند و نتوانستند حمله کنند. چرا؟ به خاطر همین فسادی که در جامعه ایجاد شد.^۲

حولاء عطاره

در روایتی آمده است زنی به نام حولا برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله عطر می‌آورد: «امْرَأَةٌ عَطَّارَةٌ لَأَيِّ رَسُولِ اللَّهِ». او می‌گوید: روزی شوهرم مرا صدا زد و با من کار داشت. من توجه نکردم و بدخلقی کردم. - گاهی اتفاق می‌افتد آقایان و خانم‌ها به حرف یکدیگر گوش نمی‌دهند. بعضی خانم‌ها با من تماس می‌گیرند، می‌گویند: همه حرف‌هایی را که آقایان به شما سفارش کردند و شما به ما گفتید، به ما می‌گویند؛ اما آن‌هایی را که ما به شما گفتیم، نمی‌گویند. نباید این‌گونه باشد - می‌گوید شوهرم عصبانی شد و از خانه بیرون آمد. پیش خودم فکر کردم کار بدی انجام داده‌ام. وقتی وارد خانه شد، بلند شدم «وَقَبَلْتُ يَدَهُ الْيُمْنَى» دستش را بوسیدم، گفتم: من اشتباه کردم، نفهمیدم، عذر می‌خواهم. مرا با دست کنار زد و رویش را برگرداند و توجهی نکرد. - این هم بد است که بعضی‌ها عذرپذیر نیستند - پس از مدتی خواست به مسجد برود. من هم دنبالش رفتم. مدام شانه به شانه‌اش می‌رفتم، گاهی او جلوتر می‌رفت

۱. ر.ک: مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱، ص ۳۵۰.

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱۳، ص ۳۷۳.

که من کنارش راه نروم. گاهی من می‌دویدم؛ زیرا او تندتر می‌رفت. از مسجد که بیرون آمد، باز جلو رفتم تا با او صحبت کنم. دیدم برگشت. زودتر از او به خانه رفتم. آرایش کردم، غذا آماده کردم، زمینه را فراهم کردم. آمد و باز توجه نکرد، شب در بستر هم به من توجه نکرد. من هم از دو چیز می‌ترسیدم: «مَخَافَةَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ خَوْفًا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ». با خودم می‌گفتم: خدایا غضب شوهر باعث نشود جهنمی شوم؛ چون نبی مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به زنان فرمود اگر ثواب جهاد می‌خواهید، جهاد زن خوب شوهرداری کردن است^۱ و فرمود: زنی که از دنیا می‌رود، همسرش باید از او راضی باشد. لذا زهرای مرضیه عَلَيْهَا السَّلَام با آن عظمت در بستر، اولین مطلبی که از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌خواست، همین بود که پرسید: علی جان، از من راضی هستی یا نه؟ می‌خواهم با رضایت تو از دنیا بروم - حوالا می‌گوید: هر چه کردم، او دلش نرم نشد. تا صبح نخوابیدم. «بَكَتُ بُكَاءً شَدِيدًا»، مدام گریه کردم و می‌گفتم: خدایا از دو چیز می‌ترسم: از تو و از قیامت. اگر مسئله شرعی نبود، من هم به او توجه نمی‌کردم. صبح که از خواب بلند شدم و به خانه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدم. در را زدم، ام‌سلمه پشت در آمد و گفت: کیست؟ حوالا هستم. گرفتارم. آمده‌ام مشکلم را حل کنم. ماجرا را که تعریف کرد، ام‌سلمه به او گفت: من هم نمی‌دانم، صبر کن رسول‌خدا بیاید. پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که آمدند. حوالا گفت: یا رسول‌الله! این‌گونه شده است. حضرت فرمودند: «برو به او بگو اگر مردی به زنش توجه کند و او را تحویل بگیرد، فرشته‌ها آن مرد را در آغوش می‌گیرند. این تذکر را به او بده».^۲ حوالا رفت و این سخن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را گفت و مشکل حل شد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سفارش‌هایی به حوالا کرد و حقوق و وظایف زن و مرد را برای او شمرد. به نظر من این روایت باید در جامعه مطرح شود. وجود مقدس پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تک تک وظایف زن را برشمرده است. وقتی این جریان پیش آمد و حوالا خدمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد، آن حضرت فرصت را مغتنم شمرد و به طور مفصل یک روایت را برایش فرمود؛ زیرا خانواده و مسئله عفاف و حجاب اهمیت بسیاری دارد، اما متأسفانه مسئله حجاب و عفاف، در جامعه در حال کم‌رنگ شدن است.

۱. همان، ج ۹۷، ص ۷.

۲. حسین بن محمدتقی نوری؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۴، ص ۲۳۸.

توجه به همسر

آقایان هم باید این مسئله را رعایت کنند. راوی می‌گوید: به خانه امام باقر علیه السلام رفتم. ما هر وقت خانه امام باقر علیه السلام می‌رفتیم، اتاق ساده‌ای بود و در آن لباس‌های ساده‌ای داشتند. آن روز فرمود: داخل بیا. وارد اتاق اندرونی که شدم، دیدم این اتاق با اتاق بیرونی فرق می‌کند. این اتاق تزئین شده و زیباست. دیدم امام هم لباس زیبایی پوشیده و محاسنش را رنگ کرده است. عرض کردم: یابن رسول‌الله، چرا این‌گونه است؟ فرمود: «اینجا محل زندگی همسر است. اگر مرد به خودش برسد، همسرش به مردهای دیگر غبطه نمی‌خورد».

نقل است مردی ژولیده با لباس‌های ناپسند و با وضعی نامناسب در کوچه می‌رفت. حضرت علی علیه السلام تا او را دید، نگاهی به قیافه‌اش کرد - حتی ما مردها گاهی از بعضی مردها متنفر می‌شویم؛ حالا یک زن چگونه می‌تواند او را تحمل کند؟ من جوانی را دیدم که چهره خودش را به شکل عجیبی درآورده است. سرش را تراشیده بود؛ وضعیتی که با پیرمردهای هشتاد نود ساله جور در می‌آید، نه با جوان هفده هجده ساله. گفتم: عزیزم، من دارم از تو فرار می‌کنم، چگونه خانم تو می‌خواهد با تو زندگی کند؟ - حضرت به او فرمود: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^۱؛ مگر خدا نگفته است نعمت‌های مرا یادآوری کنید؟^۲

گاهی خانم‌ها می‌گویند وضع مالی همسرمان خوب است، اما به خودش نمی‌رسد. به‌ویژه که انسان هر چه پیر می‌شود و سن‌اش بالاتر می‌رود، بیشتر باید نسبت به این نکات توجه و اهتمام داشته باشد.

بنابراین حجاب، دو اثر و فایده برای زنان دارد. اولین اثر این است که در اجتماع مورد اذیت و آزار بیماردلان قرار نمی‌گیرند. اثر دیگر اینکه به عنوان یک زن مؤمنه شناخته می‌شوند. در مجالس خانگی و عروسی‌ها به اشعاری که در این مجالس خوانده می‌شود توجه شود. مرحوم استاد محمدتقی جعفری - رضوان الله تعالی علیه - می‌فرمود: غنا و موسیقی یک نوسان احساسات و یک فروریختن معنویت دارد.

۱. ضحی: ۱۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۴۱۰؛ محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۵، ص ۱۹۲.

وقتی می‌نوازد، بالا می‌روی و نوسان پیدا می‌کنی، در خود احساس شادی و طرب می‌کنی؛ ولی وقتی تمام می‌شود، یک مرتبه معنویت می‌ریزد. آیا این فرد دیگر می‌تواند بایستد بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»؟ آیا می‌تواند با گفتن «السلام علیک یا ابا عبدالله» اشک بریزد؟ آیا می‌تواند با نگاه کردن به حرم حضرت معصومه علیها السلام منقلب شود؟ طبیعی است که این حالت‌ها را از انسان می‌گیرد. زندگی اهل بیت علیهم السلام ما نیز این مطلب را نشان می‌دهد. وقتی عقیده بنی‌هاشم، زینب کبری علیها السلام وارد مجلس یزید شد، آن خبیث با چوب به لب و دندان ابا عبدالله زد. یکی از کنیزانش که به اهل بیت علیهم السلام علاقه داشت، وارد مجلس شد و به یزید گفت: «زن، این پسر پیغمبر است». نوشته‌اند: یزید عبایش را برداشت و روی سر این زن انداخت که اندامش پیدا نباشد. به طور یقین آن کنیز بی‌حجاب نبوده و لباس معمولی به تن داشته است. این خبیث به مسئله حجاب کنیزانش اهمیت می‌دهد؛ آن‌گاه وقتی زینب کبری علیها السلام وارد مجلس یزید شد، - شما می‌دانید کاروان اسرا در ماه صفر وارد شام شدند یعنی تقریباً ۲۵-۲۰ روز بعد از حادثه کربلا، و در این فاصله خیلی اذیت شدند. به کوفه رفتند. به تکریت رفتند و سختی‌هایی را متحمل شدند. طبیعی است وقتی زینب کبری علیها السلام وارد می‌شود، باید از این وضعیت گله کند که چرا ما را به اسیری بردید؟ چرا ما را در این شهر و آن شهر گردانید؟ اما این‌گونه نشد - گفت: «أَمِّنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الطُّلَقَاءِ تَحْدِيرُكَ حَرَائِرِكَ وَإِمَاءَكَ؟» آیا این عدالت است که زنان خودت پشت پرده باشند» و «وَسَوْفُكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا»^۱ اما دختران و عیالات رسول‌الله این‌گونه در مقابل نامحرم ظاهر شوند؟!». اولین اعتراض حضرت زینب علیها السلام به این مسئله بود. دختر کوچک اباعبدالله علیه السلام نیز در شب یازدهم وقتی عمه‌اش بالای سرش آمد، اولین مطلبی که گفت این بود: «يَا عَمَّتَاهُ هَلْ مِنْ خِرْقَةٍ أُسْتُرُ بِهَا رَأْسِي؟»^۲ عمه، تکه پارچه‌ای داری که من سرم را بپوشانم؟». این دختر چهار یا پنج ساله بوده است. مکلف نبوده است، اما امروز شما چگونه دختران هفت یا هشت ساله‌تان را آراسته می‌کنید و به برنامه می‌فرستید؛ کنار پسرها می‌نشانید که آن‌گونه در برنامه شعر بخوانند؟ چه اشکال دارد

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۴۵، ص ۱۳۳.

۲. همان، ص ۵۹.

بچه‌ها با چادر بیایند؟ چه اشکال دارد با مقنعه بیایند؟ ترویج حجاب را از کودکی آغاز کنید. اگر ما این درس را از عاشورا و کربلا نگیریم، چه درسی می‌خواهیم بگیریم؟ امیدوارم خدا به همه ما ان‌شاءالله توفیق ارتباط بیشتر با معارف اسلامی و اهل بیت علیهم‌السلام را عنایت بفرماید.

فهرست منابع

۱. پاینده، ابوالقاسم؛ *نهج الفصاحة* (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛ چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعة*؛ تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
۳. صدوق، محمد بن علی؛ *کتاب من لا یحضره الفقیه*؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۴. طبرسی، حسن بن فضل؛ *مکارم الأخلاق*؛ چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۵. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر القمی*؛ تحقیق طیب موسوی جزایری؛ چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۷. مجلسی، محمدباقر؛ *بحار الأنوار*؛ تحقیق جمعی از محققان؛ چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
۸. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*؛ تهران: نشر صدرا، ۱۳۸۴ش.
۹. نوری، حسین بن محمدتقی؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*؛ تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.

بررسی نقش امید در افزایش جمعیت از منظر متون دینی

حانیه مازارچی*

مقدمه

فرزندآوری، یکی از شئون زندگی است؛ به گونه‌ای که بنا بر آیات قرآن^۱ و روایات،^۲ فزونی جمعیت مسلمانان معیاری مهم در دنیا و آخرت است. جمعیت، منبع قدرت و رکن مهم پیشرفت و توسعه جامعه است؛ به همین نسبت توجه به جمعیت و کیفیت ترکیب آن نیز دارای اهمیت بسیاری است؛^۳ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرَ بِكُمْ الْأُمَّمَ عَدَا؛^۴ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود بر تعداد فرزندان بیافزاید تا در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها تفاخر کنم».

متأسفانه در سال‌های اخیر با توجه به وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و تبلیغاتی که در زمینه کاهش جمعیت صورت گرفته است و با توجه به نتایج برخی پژوهش‌ها که بیانگر ویژگی‌های مثبت تک‌فرزندی است،^۵ برخی والدین به داشتن تنها یک فرزند تمایل داشته‌اند. این در حالی است که بنا بر نتیجه برخی پژوهش‌های دیگر، تک‌فرزندی دارای آثار مخربی است. اگر چه مسئله کاهش و پیری جمعیت

* دانش‌آموخته سطح ۴ جامعه‌الزهراء علیها السلام و کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی.

۱. ر.ک: کهف: ۶۱ و ۸۳؛ اسراء: ۶؛ نوح: ۱۲؛ شعرا: ۱۳۳ و ۱۳۴؛ شوری: ۱۱؛ نحل: ۷۲؛ فرقان: ۷۴ و ۷۵.
۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۳۳۳ و ج ۶، ص ۲.
۳. محمدباقر محمدی لائینی و دیگران؛ «کاهش جمعیت و تأثیر آن بر سلامت فرد و خانواده از دیدگاه اسلام»؛ نشریه دین و سلامت؛ ص ۶۳.
۴. محمد بن حسن حر عاملی؛ *وسائل الشیعه*؛ ج ۲۱، ص ۳۶۱.
۵. شاهرخ سردار پورگودرزی و دیگران؛ «اختلال‌های رفتاری در کودکان خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند شهر تهران»؛ نشریه اندیشه و رفتار؛ ص ۴۵.

به عنوان نتیجه سیاست تحدید نسل، هم اکنون به عنوان یک مشکل اساسی مورد توجه دلسوزان و اندیشمندان قرار گرفته است،^۱ اما گروه‌های مختلف مردم از تلاش‌های صورت گرفته برای افزایش جمعیت استقبال نکرده‌اند. استمرار این روند جمعیتی پیامدهایی چون رسیدن جمعیت به زیر سطح جانشینی و سالخوردگی جمعیت در طی دهه‌های آتی را به دنبال خواهد داشت.^۲

نتایج تحقیقات اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، حکایت از فاجعه‌ای بدتر از تمامی پیش‌بینی‌ها و پژوهش‌های حوزه جمعیتی کشور دارد. از سال ۱۳۹۴ تا کنون با کاهش نرخ مولید، بحران کاهش جمعیت و کاهش جمعیت جوان کشور روبه‌رو شده‌ایم. در کنار این موارد شاخص نرخ رشد کشور که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جمعیتی است، در دهه نود روندی نزولی را در پیش گرفته است تا جدی بودن بحران کاهش جمعیت را بار دیگر به همه گوشزد کند.^۳ بر اساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت ایران ۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار و ۲۷۰ نفر بوده است. از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰، برابر با ۴ میلیون و ۶۵۳ هزار و ۸۸۷ نفر و از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ برابر با ۴ میلیون و ۷۷۶ هزار و ۶۰۱ نفر بوده است. بر این اساس، متوسط رشد سالانه جمعیت کشور در دوره ۱۳۹۰ - ۱۳۸۵، برابر ۱/۲۹ درصد بوده که در دوره ۱۳۹۵ - ۱۳۹۰ به ۱/۲۴ درصد تقلیل یافته است.^۴ در ادامه به دو جدول از مرکز آمار ایران اشاره می‌شود:

۱. محمدباقر محمدی لائینی و دیگران؛ «کاهش جمعیت و تأثیر آن بر سلامت فرد و خانواده از دیدگاه

اسلام»؛ نشریه دین و سلامت؛ ص ۶۴

۲. محسن نیازی و دیگران؛ «فرا تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری در ایران»؛ فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی؛ ص ۶۹.

۳. خبرگزاری مهر؛ «سالی که عجیب‌ترین نرخ رشد در تاریخ ایران رقم خورد»؛ ۱۳۹۹/۰۲/۲۱، کد خبر: ۴۹۲۰۶۶۵. <https://www.mehrnews.com/news/4920665>

۴. درگاه رسمی آمار مرکزی ایران؛ «مصاحبه با دکتر جواد حسین‌زاده، رئیس مرکز آمار ایران به مناسبت ۳۰ اردیبهشت، روز ملی جمعیت»؛ ۱۴۰۰/۰۳/۳۰، کد خبر: ۱۵۵۸۲.

متوسط نرخ رشد سالانه استان‌ها: ۹۵-۱۳۹۰

استان	نرخ رشد(درصد)	استان	نرخ رشد(درصد)
کل کشور	۱,۲۴	یزد	۱,۱۷
خراسان جنوبی	۳,۰۲	چهارمحال و بختیاری	۱,۱۵
بوشهر	۲,۴۱	فارس	۱,۰۸
هرمزگان	۲,۳۹	گلستان	۱,۰۱
البرز	۲,۳۷	آذربایجان شرقی	۰,۹۷
قم	۲,۳۳	اصفهان	۰,۹۷
سمنان	۲,۱۶	زنجان	۰,۸۱
سیستان و بلوچستان	۱,۸۳	ایلام	۰,۸۰
تهران	۱,۷۲	خوزستان	۰,۷۸
کهگیلویه و بویراحمد	۱,۶۰	گیلان	۰,۴۰
کرمان	۱,۴۹	اردبیل	۰,۳۵
خراسان رضوی	۱,۴۳	مرکزی	۰,۲۲
کردستان	۱,۴۲	کرمانشاه	۰,۰۷
مازندران	۱,۳۳	لرستان	۰,۰۷
قزوین	۱,۱۷	خراسان شمالی	۰,۱۱-
آذربایجان غربی	۱,۱۷	همدان	۰,۲۳-

در آخرین سرشماری رسمی کشور در سال ۱۳۹۵، شاخص افزایش جمعیت به ۱/۲۴ رسیده است^۱ و این کاهش شاخص، بسیار خطرناک بوده و به نظر متخصصان امر، خروج از شاخص ۱/۲۴ بسیار سخت است:

۱- تغییرات جمعیت در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵^(۱)

سال	جمعیت	افزایش دوره ^(۲)		متوسط رشد سالانه (درصد)
		مطلق	نسبی (درصد)	
کل				
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۴۶۵۳۸۸۷	۶/۶	۱/۲۹
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۴۷۷۶۶۰۱	۶/۴	۱/۲۴
نقاط شهری				
۱۳۹۰	۵۳۶۴۶۶۱	۵۳۸۶۶۹۷	۱۱/۱۶	۲/۱۴
۱۳۹۵	۵۹۱۴۶۸۴۷	۵۵۰۰۱۸۶	۱۰/۳	۱/۹۷
نقاط روستایی				
۱۳۹۰	۲۱۴۴۶۷۸۳	-۶۸۴۳۱۸	-۳/۱	-۰/۶۳
۱۳۹۵	۲۰۷۳۰۶۲۵	-۷۱۶۱۵۸	-۳/۳	-۰/۶۸

(۱) جمعیت غیر ساکن در جمعیت کل لحاظ شده است.
 (۲) افزایش مطلق و نسبی دوره در سال ۱۳۹۰ مربوط به دوره ۹۰-۱۳۸۵ است و در سال ۱۳۹۵ مربوط به دوره ۵ ساله ۹۵-۱۳۹۰ است.

۱. درگاه رسمی آمار مرکزی ایران؛ چکیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن؛ ۱۳۹۵.

یکی از عواملی که می‌تواند راهکاری در جهت برون‌رفت از معضلات کاهش جمعیت باشد، نقش امید و امیدواری در خانواده‌هاست. به دلیل اهمیت مسئله امید و امیدواری، تألیف و پژوهش در زمینه امید و ابعاد مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته است. «اسنایدر»^۱ به عنوان نظریه‌پرداز در موضوع امید، آن را روندی فعال و آموختنی دانسته و با سه جزء به هم پیوسته «تعیین هدف»، «نیروی راهیابی» و «نیروی اراده» تعریف می‌کند؛ به طوری که بدون این سه جزء به هم پیوسته، امید نمی‌تواند شکل بگیرد.

یافته‌های تحقیقات، نشان‌دهنده آن است که مؤلفه‌های سه‌گانه امید و زیرمؤلفه‌های آن‌ها عبارتند از: عاملیت (عاملیت شخصی - عاملیت الهی)، اسباب (اسباب مادی - اسباب فرامادی) و هدف (هدف مادی - هدف توحیدی).^۲ با توجه به تعاریف بیان شده از امید، آثار امید در سه حوزه بینش (شناختی)، گرایش (عاطفی - هیجانی) و کُنش (رفتاری) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. امید در حوزه بینش (شناختی)

تحولات اخیر جمعیتی کشور بیش از هر عاملی، ریشه در باورها و نگرش‌های همسران نسبت به فرزندآوری دارد؛ زیرا تصمیم به فرزندآوری یا بی‌میلی به آن، کنشی معنادار است که به صورت تصادفی رخ نمی‌دهد؛ بلکه مبتنی بر پنداشت‌ها و متأثر از پیش‌فرض‌هایی است.^۳ نوع نگرش به فرزندآوری می‌تواند در افزایش یا کاهش جمعیت متأثر باشد. نقش امید در حیطه بینشی، عبارت است از:

۱/۱. جهان‌بینی توحیدی

یکی از عوامل ایجاد انگیزه فرزندآوری، نگرش فرد نسبت به عالم است. افرادی که جهان‌بینی توحیدی دارند، نسبت به تأمین معاش فرزند و تربیت وی امید بیشتری دارند. جهان‌بینی توحیدی، یعنی آدمی درک کند که جهان بنا بر مشیتی حکیمانه پدید

1. Snyder C.R

۲. مبین صالحی؛ «الگوی امید بر اساس منابع اسلامی و طراحی برنامه درمانی آن»؛ فصلنامه علمی ترویجی اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی؛ ص ۴۵.

۳. علی ملکوتی‌نیا و دیگران؛ «بررسی و نقد اندیشه فرزند کمتر، زندگی بهتر در جامعه معاصر ایران با رویکرد اسلامی»؛ ماهنامه معرفت؛ ص ۴۹.

آمده است و نظام هستی بر اساس خیر و رحمت و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آنها استوار است.^۱

در جهان‌بینی توحیدی، فقط خداوند است که می‌تواند به همه نگرانی‌ها و ناامیدی‌ها پایان دهد. انسان مؤمن با تکیه بر چنین نیروی مطمئن و آرامش‌بخشی، هیچ‌گاه در زندگی از حرکت به سوی کمال باز نمی‌ایستد. امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: «اجعلوا كل رجائكم لله سبحانه ولا ترجوا أحدا سواه، فإنه ما رجا أحد غير الله تعالى إلا خاب؛^۲ هر چه امید دارید، به خدای سبحان داشته باشید و به کسی جز او امید مبنید؛ زیرا هیچ کس به غیر خدای تعالی امید نبست، مگر آنکه نومید برگشت». سعدی در باب ششم کتاب بوستان، به جهان‌بینی توحیدی در فرزندداری چنین اشاره کرده است:

یکی طفل دندان برآورده بود پدر سر به فکرت فرو برده بود
که من نان و برگ از کجا آرمش؟ مروّت نباشد که بگذارمش
چو بیچاره گفت این سخن نزد جفت نگر تا زن او چه مردانه گفت
مخور گول ابلیس، تا جان دهد هر آن کس که دندان دهد نان دهد

خداوند در این زمینه فرموده است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا؛^۳ هیچ جنبه‌ای در روی زمین نیست، مگر اینکه روزی‌اش بر عهده خداست».

خانواده‌هایی که با نگاه جهان‌بینی توحیدی به سختی‌های مالی و اجتماعی فرزندآوری می‌نگرند، از مشکلات فرزندپروری بیم و دل‌نگرانی ندارند و نسبت به فرزندآوری نیز کوتاهی نمی‌کنند؛ در حالی است که خانواده‌هایی که برای فرزندآوری به تسهیلات دولت و مجلس و کمک و سخن اطرافیان امید دارند، اقدام مؤثری در فرزندآوری ندارند.

۱/۲. ظن مثبت به خداوند

بر اساس آموزه‌های اسلامی، رسیدن به خیر و خوبی‌های دنیا و آخرت، در گرو امیدواری به خدا و گمان نیکو به اوست. اگر تنها اصل حسن ظن به خدا در جامعه

۱. مرتضی مطهری؛ جهان‌بینی توحیدی؛ ص ۱۶.

۲. محمد محمدی ری‌شهری؛ میزان الحکمه؛ ترجمه حمیدرضا شیخی؛ ج ۱۴، ص ۷۱۵۵.

۳. هود: ۶.

برقرار، و در قالب روابط اجتماعی و خانوادگی باز تولید شود، به چارچوب‌های نظری دیگر برای افزایش امید نیازی نیست؛ زیرا اصل هنجاری حُسن ظن به خدا می‌تواند دیگر زوایای تبیینی یا توصیفی امید در جامعه را هم توضیح دهد. امام رضا علیه السلام درباره حسن ظن فرموده است: «أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ أَنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَأَنْ شَرًّا فَشَرًّا»^۱ نسبت به خداوند حسن ظن داشته باش، چرا که خداوند عزوجل می‌فرماید: من نزد حُسن ظن بنده مؤمنم هستم. اگر نیک باشد، نیک و اگر بد باشد، بد هستم».

یکی از عوامل کاهش جمعیت، تمایل به زندگی مجردی و بالارفتن سن ازدواج است.^۲ این افراد رزاق بودن خداوند را باور ندارند و در ازدواج و فرزندآوری کاهلی می‌کنند. این در حالی است که خداوند به صراحت بر روزی دادن بندگان تأکید کرده و در آیه ۱۵۱ سوره انعام، کشتن فرزندان را به خاطر فقر نهی نموده و فرموده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ؛ وَفِرْدَانَتَانِ رَا مِنْ فِقْرٍ نَكْشِيدَا مَا شَمَا وَ أَنَهَا رَا رُوْزِي مِي دَهِيْم». در روایات بسیاری نیز بر کثرت نسل تأکید شده است؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «تَنَّاكُحُوا تَنَّاَسَلُوا تَكْتُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسُّفْطِ...»^۳ ازدواج کنید تا صاحب فرزند شوید و نسل شما زیاد گردد. من در روز قیامت به زیادی افراد امتم - حتی به فرزند سقط شده - بر امت‌های دیگر مباحات می‌کنم...». دستور صریح و مستقیم پیامبر صلی الله علیه و آله به فرزندآوری، گویای مطلوبیت این موضوع و استحبابش است.

کاهش جمعیت، زبینه امت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست. بنابراین در حوزه بینشی، می‌توان برای حل کاهش مسئله جمعیت، با تغییر نگرش خانواده‌ها و اجتماع به جهان‌بینی توحیدی و حسن ظن به خدا، امیدهای تازه‌ای را در جهت افزایش فرزندآوری و جمعیت ایجاد نمود.

۲. امید در حیطة گرایش (عاطفی)

واکنش‌های احساسی - عاطفی در زندگی انسان، نقش اساسی و مهمی را ایفا

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۲، ص ۷۹.

۲. محمدباقر محمدی لائینی و دیگران؛ «کاهش جمعیت و تأثیر آن بر سلامت فرد و خانواده از دیدگاه اسلام»؛ نشریه دین و سلامت؛ ص ۶۴.

۳. محمد بن محمد شعیری؛ *جامع الأخبار*؛ ج ۱، ص ۱۰۱.

می‌کنند. یکی از موانع فرزندآوری، احساس یأس و ترس است. در مقابل این احساسات، می‌توان با ایجاد و تقویت انگیزه و آرامش، گرایش فرزندآوری را تقویت کرد.

۲/۱. ایجاد انگیزه مثبت

میان امید و انگیزه، رابطه معناداری وجود دارد.^۱ افراد امیدوار، با انگیزه فراوانی به فعالیت می‌پردازند. یکی از لوازم فرزندآوری، داشتن انگیزه است. انگیزه، محرک زندگی است و انگیزه الهی، ضمن کاهش یأس و ناامیدی، اراده افراد نسبت به فرزندآوری را افزایش می‌دهد؛ چنانکه پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «إِنَّمَا الْأَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِأَلَّتِي، لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ أُمٌّ وَلَدًا، وَلَا عَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا؛^۲ امید، رحمت خدا برای امت من است. اگر امید نبود، مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و کسی درختی نمی‌کاشت».

۲/۲. آرامش

در مسئله فرزندآوری افزون بر انگیزه، آرامش نیز امری ضروری است. قرآن کریم امید به خدا و ذکر او را به عنوان برترین داروی آرامش‌بخش و شفادهنده قلب‌ها و از خواص ایمان و نعمت‌های بزرگ خداوند برشمرده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۳ آن‌ها که به خدا ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد؛ آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست».

ترس، هیجان خلاف آرامش است. ترس از فقر، یکی از موانع فرزندآوری است؛^۴ چنانکه خداوند در آیه ۱۷ مبارکه اسراء با پرده‌برداری از یک هیجان تلخ، فرموده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا؛ و فرزندانتان را از ترس فقر، نکشید! ما آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً کشتن آن‌ها، گناه بزرگی است».

۱. علی اکبر مؤمنی؛ امید در زندگی از منظر قرآن؛ ص ۱۳۵.

۲. مسعود بن عیسی ابن ابی فراس؛ تنبیه الخواطر و نزهة الناظر؛ ص ۲۱.

۳. رعد: ۲۸.

۴. مجید خاری و دیگران؛ «بررسی مفهوم امید در قرآن و روایات و نقش آن در تربیت انسان»؛ نشریه پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی؛ ص ۱۱۴.

ترس فقر و نداری دختران را زنده به گور می‌کردند، اما اکنون نیز شامل حال اشخاص سست اعتقاد در عصر می‌شود که با تصوراتی برای رفاه و آسایش خود، اقدام به عمل زشت جاهلیت می‌کنند و با تزریقات یا استعمال دارو و یا وسایلی که مانع از بارداری می‌شود، نطفه‌ها را نابود می‌کنند.^۱

یکی از مسائل مبتلابه در کاهش جمعیت، سقط جنین است که ترس از وجود فرزند و مشکلات ناشی از آن، منجر به بروز چنین جنایتی می‌شود. یکی از راه‌های پیشگیری سقط جنین، برانگیختن عواطف انسانی است. باید با بیان فواید وجود فرزند، آرامش را به والدین جنین بازگرداند و ترس ناشی از مسائل مالی یا تأثیر کلام اطرافیان یا نگرانی نسبت به مسائل تربیتی را کنترل کرد. خانواده‌ها می‌توانند با بیان لذت‌های فرزندی، توجه افرادی را که احساس خوشایندی نسبت به فرزند ندارند، جلب کنند. بنابراین برای افزایش جمعیت و تربیت نسلی سالم، باید از انگیزه لازم در جهت مقابله با احساس یأس و آرامش‌بخشی در جهت مقابله با هیجان ترس، بهره‌مند شد.

۳. امید در حوزه کنش (رفتاری)

دو عامل اساسی یعنی «بینش» و «گرایش»، موجب پیدایش «کنش» یعنی رفتار می‌شود.^۲ امید حقیقی، امیدی همراه با عمل نیکو، فعالیت هدفمند، تلاش مستمر و به دور از هر گونه رخوت و سستی است. خداوند در آیه ۱۱۰ سوره کهف فرموده است: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا؛ کسی که امید به ملاقات پروردگارش (و پاداش الهی) دارد، باید عمل صالح انجام دهد». بدون نشانه‌های رفتاری، امید حقیقی صورت نمی‌گیرد. امام علی علیه السلام فرموده است:

يَدْعِي بِرَعْمِهِ أَنَّهُ يَرْجُو اللَّهَ، كَذَبَ وَالْعَظِيمِ، مَا بَالُهُ لَا يَتَّبِعُنَّ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ، فَكُلُّ مَنْ رَجَا عُرْفَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ؛^۳ به گمان خود ادعا دارد که به خدا امیدوار است. به خدای بزرگ سوگند که دروغ می‌گوید. چه می‌شود او را که امیدواری در کردارش پیدا نیست؛ پس هر کس به خدا امیدوار باشد، باید امید او در کردارش آشکار شود.

۱. حسین حسینی شاه‌عبدالعظیمی؛ تفسیر اثنی‌عشر؛ ج ۷، ص ۳۶۴.

۲. حسین جلالی؛ «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آن‌ها»؛ ماهنامه معرفت؛ ص ۴۹.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی؛ خطبه ۱۶۰.

۳/۱. فعالیت مثبت

امید واقعی، امیدی است که به عمل و فعالیت مثبت در جهت رشد و ارتقای انسان منجر شود و صرف ادعا نمودن و پروراندن آرزوهای واهی در ذهن نیست. موضوع جمعیت و تأثیر آن در تمامی برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، بین‌الملل و ... موضوعی انکارناپذیر است. به تبع آن، مسئولین هر بخش باید فعالیتی مثبت و متناسب با وظایف خود در زمینه تهدید جمعیتی داشته باشند. با عملکرد مفید مسئولین، امید در دل خانواده‌ها پرورش می‌یابد. افزون بر عملکرد صحیح مسئولین، اگر فضای رفتاری حاکم بر جامعه و سبک زندگی در جهت رفتارهای مثبت فرزندآوری باشد، تأثیر بسزایی در ایجاد امید و انگیزه برای فرزندآوری دارد. برای مثال وقتی خانواده دارای فرزند در فضای اجتماعی و خانوادگی با تأیید و تشویق و همراهی اطرافیان مواجه شود، این رفتار مثبت باعث تقویت امید خواهد شد.

۳/۲. تلاش و استقامت مستمر

خارج شدن از بحران جمعیت نیاز به تلاش و استقامت مستمر دارد. وضعیت جمعیت ایران در یک سقوط شدید، در وضعیت بحرانی است. برای خروج از این وضعیت، باید تلاشی مستمر داشت. این تلاش‌ها، مجاهدت‌ها، شب‌بیداری‌ها، عشق مادران به فرزندان و ... در پرتو امید است که در جان آدمی نقش بسته است.^۱ یکی از عوامل عدم رغبت به فرزندآوری، سختی و مشکلات متعدد ناشی از آن است. استقامت و پایداری در این مسیر با امید محقق می‌شود. حضرت یعقوب علیه السلام به عنوان الگوی امیدواری، معتقد بود با امید به رحمت خدا باید برای رفع مشکلات کوشش کرد. از این رو به فرزندان خود دستور داده بود به جستجوی یوسف علیه السلام بپردازند و از رحمت خدا غافل نشوند.^۲ انسان با امید اینکه تلاش سودمند است، فعالیت می‌کند. اگر امید از آدمی گرفته شود، او دست به هیچ اقدامی نمی‌زند. هر شناگر ماهری تا زمانی که امید به ساحل دارد، می‌تواند تلاش کند. خانواده‌ها تا زمانی که به اثرات مفید و موثر فرزندآوری در زندگی خود و اجتماع امید داشته باشند، می‌توانند رفتار با استقامت داشته باشند.

۱. مصطفی آخوندی؛ «جایگاه امید در پویایی انسان‌ها»؛ فصلنامه مریبان؛ ص ۵۵.

۲. ر.ک: یوسف: آیه ۹۶ - ۸۷.

فریضه فرزندآوری و افزایش جمعیت، نیازمند تلاش و مجاهدت است. بنابراین اگر نقطه امید و اتکای والدین مؤمن در این مسیر سهمگین و مقدس بر جهان‌بینی توحیدی بنا شود، تسلیم حوادث نمی‌شوند و امید خود را از دست نمی‌دهند. بر اساس این نگرش، در زندگی عملکرد هدفمند و فعالیت مثبت و تلاش مستمر و با استقامت خواهند داشت و شعار امیدآفرین آن‌ها چنین خواهد بود: «وَيَزُقُّهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۱ و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌دهد و هر کس بر خدا توکل کند، امرش را کفایت می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است».

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی؛ *تنبيه الخواطر و نزهة الناظر*؛ چاپ اول، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعه*؛ بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ ق.
۳. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین؛ *تفسیر اثنی‌عشر*؛ چاپ اول، قم: نشر میقات، ۱۳۶۳ ش.
۴. شریف‌الرضی، محمد بن حسین؛ *نهج‌البلاغه*؛ ترجمه محمد دشتی؛ چاپ اول، قم: نشر مشهور، ۱۳۷۹ ش.
۵. شعیری، محمد بن محمد؛ *جامع الأخبار*؛ چاپ اول، نجف: مطبعة حیدریه، [بی‌تا].
۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۷. محمدی‌ری‌شهری، محمد؛ *میزان‌الحکمه*؛ ترجمه حمیدرضا شیخی؛ قم: دار الحدیث، ۱۳۷۹ ش.
۸. مطهری، مرتضی؛ *جهان‌بینی توحیدی*؛ قم: صدرا، ۱۳۸۶ ش.
۹. مؤمنی، علی‌اکبر؛ *امید در زندگی از منظر قرآن*؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷ ش.

مجلات و سایت‌ها

۱. آخوندی، مصطفی؛ «جایگاه امید در پویایی انسان‌ها»؛ فصلنامه مریبان؛ شماره ۱۹، بهار ۱۳۸۵، ص ۷۴ - ۵۱.
۲. جلالی، حسین؛ «درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آن‌ها»؛ ماهنامه معرفت؛ شماره ۵۰، بهمن ۱۳۸۰، ص ۵۵ - ۴۵.
۳. درگاه رسمی آمار مرکزی ایران؛ «مصاحبه با دکتر جواد حسین‌زاده، رئیس مرکز آمار ایران به مناسبت ۳۰ اردیبهشت، روز ملی جمعیت»؛ ۱۴۰۰/۰۳/۳۰، کد خبر: ۱۵۵۸۲.
۴. مجید خاری و دیگران؛ «بررسی مفهوم امید در قرآن و روایات و نقش آن در تربیت انسان»؛ نشریه پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی؛ شماره پیاپی ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۵۲ - ۱۳۵.
۵. خبرگزاری مهر؛ «سالی که عجیب‌ترین نرخ رشد در تاریخ ایران رقم خورد»؛ ۱۳۹۹/۰۲/۲۱، کد خبر: ۴۹۲۰۶۶۵.
۶. سردار پورگودرزی، شاهرخ و دیگران؛ «اختلال‌های رفتاری در کودکان خانواده‌های تک‌فرزند و چندفرزند شهر تهران»؛ نشریه اندیشه و رفتار؛ دوره نهم، شماره اول، تابستان ۱۳۸۲، ص ۲۶ - ۲۰.
۷. صالحی، مبین؛ «الگوی امید بر اساس منابع اسلامی و طراحی برنامه درمانی آن»؛ فصلنامه علمی ترویجی اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی؛ شماره پیاپی ۵، تابستان ۱۳۹۵، ص ۵۰ - ۲۹.
۸. محمدی لائینی، محمدباقر و دیگران؛ «کاهش جمعیت و تأثیر آن بر سلامت فرد و خانواده از دیدگاه اسلام»؛ نشریه دین و سلامت؛ دوره دوم، شماره دوم، اسفند ۱۳۹۳، ص ۷۳ - ۶۲.
۹. ملکوتی‌نیا، علی و دیگران؛ «بررسی و نقد اندیشه فرزند کمتر، زندگی بهتر در جامعه معاصر ایران با رویکرد اسلامی»؛ ماهنامه معرفت؛ شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۹۷، ص ۶۲ - ۴۹.
۱۰. نیازی، محسن و دیگران؛ «فرا تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری در ایران»؛ فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره هشتم، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۱۸ - ۶۹.

عوامل افول ارزش‌ها در خانواده معاصر

راضیه علی‌اکبری*

مقدمه

خانواده، سنگ‌بنای جامعه بزرگ انسانی است و در استحکام روابط اجتماعی و رشد اعضای جامعه، نقش بنیادین دارد. تلاش در جهت استحکام خانواده و استوارسازی روابط درون این سیستم، زمینه را برای سلامت اخلاقی و سعادت عمومی جامعه فراهم می‌کند. یکی از نقش‌های خانواده، انتقال ارزش‌ها به معنای رفتارهای خوب یا بد، شایسته و ناشایست، مطلوب و نامطلوب از نسلی به نسل دیگر است. ارزش‌ها، معیار انتخاب یک خانواده مطلوب و نیز ملاک تعیین رفتارهای اعضای خانواده است. ارزش‌ها، همچون قطب‌نمایی هستند که جهت‌یابی اخلاقی و عملی را نشان می‌دهند و بر تصمیم‌گیری و اقدامات روزمره افراد تأثیر می‌گذارند.^۱ بنابراین سبک زندگی فرد، بازتابی از ارزش‌های او و هنجارهایی است که به این ارزش‌ها مربوط می‌شوند. این ارزش‌ها از دیدگاه اسلام به بینش و منش افراد وابسته است؛ مانند بینش درست نسبت به نظام هستی، منش درست (ایمان و عمل صالح) در مقابل خدا، تقوا داشتن^۲ نسبت به خود (عدم ظلم به خود)^۳ و دیگران (احساس مسئولیت نسبت به خانواده و جامعه).^۴ برای تشخیص هر ارزشی به سه روش عقل، تجربه و وحی نیاز است و از آنجا که خانواده، اولین و مهم‌ترین محیط تربیتی انسان‌هاست،

* دکترای کلام اسلامی و مدرس دانشگاه.

۱. سید حسن سیدی؛ بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها؛ ص ۶۲.

۲. حجرات: ۱۳.

۳. طلاق: ۱.

۴. آل‌عمران: ۱۱۴.

راه این تشخیص باید ابتدا از طریق خانواده به فرزندان آموزش داده شود.^۱ خانواده نیز موظف است ارزش‌های حقیقی را گسترش دهد و برای ریشه‌کنی ارزش‌های کاذب بکوشد.^۲

امروزه خانواده معاصر به دلیل رشد سریع تکنولوژی و پیشرفت روزافزون حوزه‌های ارتباطی، ماهواره‌ها و فضای مجازی، در معرض تحولات پرشتاب و در دنیایی از ارزش‌های متعارض قرار دارد؛ دنیایی که در آن، گروه‌های اجتماعی متأثر از فرهنگ غرب، می‌کوشند ارزش‌هایی همچون مانند فردگرایی، افزایش سن ازدواج، تجردزیستی و راحت‌طلبی را در جامعه ترویج کنند.^۳ این امر موجب بروز مشکلات بسیاری در خانواده‌های معاصر شده است؛ مانند کاهش روحیه سازش‌پذیری، ضعف کارآمدی خانواده در حمایت و مراقبت فرزندان و کنترل و نظارت بر آن‌ها، نبود وجود آرامش روانی و تأمین نیازهای عاطفی و افزایش آمار طلاق. ریشه‌یابی این مسئله، گویای وجود عوامل متعددی در حیطه‌های مختلف فردی، اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نیز ضعف عملکرد نهادهای فرهنگ‌ساز مانند حوزه‌های علمیه، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، صداوسیما و... است که باعث نابودی ارزش‌ها در خانواده شده‌اند. در این مقاله به بررسی نقش «ضعف باورهای دینی و آزادی‌خواهی و جابه‌جایی ارزش‌ها» در افول ارزش‌های خانواده پرداخته می‌شود.

۱. تعریف و اهمیت ارزش

ارزش‌ها، باورهای ریشه‌داری هستند که هنگام بررسی خوبی‌ها، بدی‌ها و کمال مطلوب به آن رجوع می‌شود.^۴ واژه «ارزش»، شامل همه ارزش‌های علمی، عقلانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، زیستی، دینی، اعتقادی و اخلاقی است و برخی نویسندگان حدود ۱۴۰ تعریف متفاوت از آن ارائه کرده‌اند.^۵ استاد مطهری در بیان منشأ پیدایش ارزش می‌گوید: «اگر چیزی به هر نوعی کمالی برای انسان باشد و

۱. مجتبی مصباح؛ بنیاد اخلاق: روشی نو در آموزش فلسفه اخلاق؛ ص ۱۷.

۲. ماجد عرسانی کیلانی؛ فلسفه تربیت اسلامی؛ ص ۳۶۵.

۳. جerald ال گوتک؛ مکاتب فلسفی و آراء تربیتی؛ ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت؛ ص ۸.

۴. بروس کوئن؛ مبانی جامعه‌شناسی؛ ترجمه فاضل توسلی؛ ص ۷۳.

۵. محمود فتحعلی؛ درآمدی بر مبانی اندیشه اسلامی (فلسفی، کلامی، سیاسی)؛ ص ۳۹؛ احمد حسین

شریفی؛ خوب چیست؟ بد کدام است؟!؛ ص ۲۳.

رایگان و به سادگی در دسترس او نباشد و قابل انحصار هم باشد، اینجا ارزش پیدا می‌شود... امور معنوی هم به همین دلیل ارزش پیدا می‌کند.^۱

ارزش‌ها به زندگی انسان رنگ و جهت می‌دهند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت ارزش‌های هر فرد، نشان‌دهنده شخصیت اوست؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «ارزش هر کس، به اندازه همت اوست»^۲ و «ارزش هر فرد، به آن چیزی است که دوست دارد».^۳

۲. ارزش‌های خانوادگی و نقش خانواده در انتقال آن

بررسی نگاه اسلام نسبت به هدف تشکیل خانواده، به تشخیص و تعیین دقیق ارزش‌های خانواده کمک می‌کند. از نظر اسلام، تشکیل خانواده برای رسیدن به آرامش،^۴ عبودیت^۵ و سعادت دنیوی و اخروی است و هر رفتار و گفتاری که در جهت زمینه‌سازی تحقق این هدف باشد، ارزشمند است؛ از جمله اعتقاد به خداوند و اولیای او، محبت اهل بیت علیهم السلام، بندگی خداوند، پاکدامنی و رعایت پوشش اسلامی، ابراز محبت به اعضای خانواده، حُسن خلق، آراستگی، سخاوتمندی، غیرت، خوش‌گمانی، آرامش‌بخشی، استقامت در برابر مشکلات، وفاداری و نرم‌خویی.^۶

ارزش‌های خانواده از نظر اسلام، در گرو تحقق ارزش‌های الهی مربوط به روابط خانوادگی انسان است که پیوند محکمی با اطاعت و بندگی خدا در سطح الزامات و رعایت حقوق خانوادگی دارد. وقوع این امر، مستلزم وجود تقوا در اعضای خانواده است. ارزشمندی تقوا از آنجا روشن می‌شود که خداوند در مقابل نعمت حیات، از انسان «پرهیزگاری» را مطالبه می‌کند و انسان با تقوا را با کرامت‌ترین انسان‌ها می‌داند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ».^۷

یکی از مصادیق تقوا، ایفای نقش هر فرد در قبال خانواده در جهت کسب رضای

۱. مرتضی مطهری؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ ص ۲۳۳.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ حکمت ۴۷.

۳. همان، حکمت ۸۱.

۴. روم: ۲۱.

۵. ذاریات: ۵۶.

۶. هادی حسین‌خانی؛ معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام و ساخت مقیاس آن؛ ص ۵۸.

۷. حجرات: ۱۳.

الهی است؛ چنانکه در آموزه‌های دینی ترسیم شده است. برای مثال در روایتی به ارزش نقش نان‌آوری مرد چنین اشاره شده است: «إِنَّ أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ»^۱ خداوند از آن کسی خوشنودتر است که خانواده خود را بیشتر در رفاه و نعمت قرار دهد». همچنین خداوند برای تبیین ارزشمندی نقش قوامیت مرد در خانواده، از تعبیری همچون «فضل» استفاده کرده است.^۲ این موارد، ارزش‌هایی است که پدر و مادر باید ضمن عملی کردن‌شان، آن‌ها را به فرزندان خود نیز انتقال دهند.^۳ در این راستا والدین باید به فرزندان هنگام انجام رفتارهایی که با ارزش‌های خانواده هماهنگ است، پاداش دهند و در برابر رفتارهایی که با آن هماهنگ نیست، آن‌ها را تنبیه و مجازات کنند.^۴ بدین ترتیب خانواده، اولین نظام برای حفظ و انتقال ارزش‌هایی همچون امنیت و آرامش روانی، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی و تربیت آن‌ها شمرده می‌شود.^۵ در جامعه معاصر، خانواده دستخوش تحولات بنیادین و عمیقی در دگرگونی ارزش‌ها شده است و نوگرایی و مظاهر آن (به‌ویژه فردگرایی، آزادی‌خواهی، لذت‌طلبی)، ریشه این تغییرات و عامل ایجاد بحران‌های اخلاقی در خانواده شده است.^۶

۳. علل تزلزل ارزش‌ها

الف. ضعف باورهای دینی

یکی از چالش‌های خانواده معاصر، تهاجم فرهنگی جهان غربی است که از طریق گستردگی و نفوذ روزافزون رسانه‌های جمعی مدرن و به‌طور غیرمستقیم، سبک زندگی و باورهای ضد دینی خود را ترویج می‌دهد. غرب در راستای رسیدن به این هدف، ابتدا جایگاه دین را در میان خانواده‌ها متزلزل کرد و سپس افکار غیردینی را در رسانه‌هایی که مورد استفاده خانواده‌هاست، گسترش داد. بدین ترتیب ارزش‌ها در خانواده، افول و سبک زندگی غربی در زندگی مردم رسوخ کرد. بنابراین یکی از

۱. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۱، ص ۵۴۰.

۲. نساء: ۳۴.

۳. شمس‌الله مریجی؛ عوامل مؤثر در انحراف ارزش‌ها؛ ص ۳۴.

۴. بروس کوئن؛ مبانی جامعه‌شناسی؛ ترجمه فاضل توسلی؛ ص ۱۲۲.

۵. باقر شریف قریشی؛ نظام تربیت اسلام؛ ص ۱۵.

۶. نعمت‌الله یوسفیان؛ تربیت دینی؛ ص ۲۶.

مهم‌ترین عوامل نابودی ارزش‌ها در خانواده معاصر، ضعف ایمان و فاصله‌گیری از معارف دینی و دنیاگرایی (سکولاریسم) است.

سکولاریسم، سبک زندگی خانواده‌های معاصر را از آخرت‌گرایی به دنیاطلبی، و از ساده‌زیستی به سمت تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری تغییر داد و با تضعیف ارزش‌های دینی، بسیاری ارزش‌های دیگر همچون گذشت و ایثار و فداکاری، به منفعت‌طلبی و خودپسندی تبدیل شد. در خانواده‌های معاصر، پدر و مادرها اهمیت چندانی برای تربیت دینی فرزندان قائل نیستند؛ چنانکه رسول‌خدا ﷺ فرموده است: «بدا به حال بچه‌های آخرالزمان، از طرف پدرهای ایشان». از حضرت سؤال شد: «یا رسول‌الله، از پدرهای مشرک؟». حضرت فرمود: «خیر؛ از پدرهای مؤمن که واجبات را به فرزندان خود تعلیم نمی‌دهند».^۱

غرب می‌کوشد از تمام امور مربوط به دین و قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام قداست‌زدایی کند تا در نتیجه بسیاری از ارزش‌های فطری و اخلاقی مورد سفارش دین، مانند احترام، وفاداری، توجه به حقوق اعضای خانواده را به نابودی بکشاند.^۲

خانواده‌های معاصر متأثر سبک زندگی غربی، به تدریج دچار دنیاگرایی، رفاه‌زدگی مادی، لذت‌جویی بی‌حد و حیات حیوانی به دور از معنویات و اخلاق می‌شوند و تمام تلاش آنان پیرامون مسائل مادی خلاصه می‌شود. جالب است که برخی افراد، انسان بی‌بندوبار، رفاه‌طلب، سودجو، ثروت‌اندوز، بی‌دین و لامذهب را انسانی متمدن، متخصص و هماهنگ با زندگی مدرن امروزی می‌دانند.

ب. آزادی‌طلبی

یکی از مهم‌ترین ابزار غرب برای تغییر سبک زندگی، ترویج باور به آزادی‌طلبی (لیبرالیسم) است. با ورود تفکر آزادی‌طلبی به خانواده معاصر، بسیاری از ارزش‌ها افول کرد، برای مثال ارزش خدامحوری به انسان‌محوری تبدیل شد. همچنین همدلی و همراهی و هم‌کلامی و همکاری میان اعضای خانواده، به فردگرایی و خودخواهی و خودپسندی و خودمشغولی تبدیل شد. طبق نظریه

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۲۳، ص ۱۱۴.

۲. ر.ک: محسن فرمهینی فراهانی؛ پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت؛ ص ۲۵؛ هادی پورشافعی و ناهید

آرین؛ «پست‌مدرنیسم و دلالت‌های آن در تربیت دینی»؛ اسلام و پژوهش‌های تربیتی؛ ص ۲۹.

آزادی‌طلبی، انسان موجودی کاملاً آزاد و مستقل است و در شناخت سعادت خود و راه رسیدن به آن خودکفاست؛ آزاد از هر گونه تکلیف و الزام بیرونی.^۱ در این شرایط، انسان به قدری بر عقل خود تکیه دارد که گاهی به حذف دین از زندگی می‌رسد و تصور می‌کند دین، موضوعی خصوصی میان فرد و پروردگارش است.^۲ با گرایش خانواده‌های امروزی به آزادی‌طلبی، دیگر اقتدار والدین بر فرزندان تحمیل‌شدنی نیست و تعیین رفتار فرزند بر عهده خود اوست. بسیاری از فرزندان امروزی نیز تحت تأثیر لیبرالیسم، التزامی به آداب و رسوم دینی ندارند؛^۳ زیرا هیچ ارزشی برایشان با آزادی برابری نمی‌کند و آزادی، عالی‌ترین هدفشان در زندگی است.^۴

در خانواده معاصر، هر کدام از اعضا به آزادی بی‌قید و شرط علاقه دارند و می‌خواهند مقررات خانواده را نادیده بگیرد و در راه ارضای تمایلات خویش، از آزادی‌های بی‌حساب و کتاب استفاده کنند. بنابراین ارزش‌های خانواده و حرمت میان اعضای خانواده، از بین می‌رود و برای افراد، تنها آزادی و لذت‌طلبی ارزشمند است و التزام به آموزه‌های دینی همچون نماز، روزه و حجاب، امری دلبخواهی است.

در سبک زندگی غربی که در حال نفوذ به خانواده معاصر است، پدر و مادر فقط به جهت قانون طبیعت، زمینه‌ساز تولد فرزند هستند و تا مدتی از او مراقبت می‌کنند. وقتی فرزند به سن استقلال و انجام کارهای شخصی برسد، شأن پدر در حد یک کارگر برای تأمین مخارج و مادر هم در حد یک خادم برای انجام وظایفی مانند آشپزی و شستشوی لباس و ... پایین می‌آید. در چنین خانواده‌ای، پدر و مادر هیچ نقشی در تربیت فرزند ندارند؛ فرزند نیز رها و آزاد است و هیچ وظیفه‌ای در مقابل والدین ندارد. این در حالی است که فرزندان یک خانواده اسلامی، نقش‌های معین دارند و تکالیفی را در رابطه با پدر و مادر و خانواده به عنوان یک نهاد، به عهده دارند.

۱. حبیب‌الله طاهری؛ بررسی مبانی فرهنگ غرب و پیامدهای آن؛ ص ۷۰.

۲. ژرژ بودرو؛ لیبرالیسم؛ ترجمه عبدالوهاب احمدی؛ ص ۱۱۶.

۳. جرال ال‌گوتک؛ مکاتب فلسفی و آرای تربیتی؛ ص ۲۵۲.

۴. آنتونی آربلاستر؛ ظهور و سقوط لیبرالیسم؛ ص ۸۲ و ۸۳.

امروزه برنامه‌های ماهواره‌ای این ارزش‌ها را دگرگون معرفی می‌کنند؛ برای مثال یک دختر یا پسر جوان در خانواده لیبرال را آزاد از تعهدات به پدر و مادر و نهاد خانواده نشان می‌دهند. چنین تصویری باعث تعارض نقشی در فرد می‌شود؛ در حالی که فرهنگ و واقعیات زندگی، تکالیف دیگری برای او تعریف کرده و متناسب با این تکالیف، حقوق متقابلی نیز برای او در نظر گرفته است که فرزند یک خانواده غربی، از آن‌ها محروم است.

ج. جابه‌جایی ارزش‌ها

غرب می‌داند که ستون خیمه خانواده در اسلام، زن است و تا زمانی که برای زن، نقش مادری و همسری ارزشمند می‌باشد، خانواده استحکام دارد و محیطی برای سعادت‌مندی افراد و زمینه‌ای برای پیشرفت جامعه است؛ از این رو برای تحقق اهداف خود، گام اول را از این نقطه آغاز، و زن را از محیط منزل دور کردند و در این راستا شعار دفاع از حقوق زنان را سر دادند.^۱ این تفکر برای رهایی مطلق زنان از قید مردان، اولویت فعالیت‌های اجتماعی برای زنان، عدم ازدواج، سقط جنین و ... را ترویج می‌کند.^۲ با تأثیرپذیری از این دیدگاه در خانواده معاصر، فعالیت‌های خارج از منزل، تحصیل، اشتغال و مجردگزینی برای زنان ارزش دارد^۳ و دیگر نقش همسری و مادری ارزشمند نیست.^۴

دشمنی فمینیست‌ها با خانواده، تا آنجاست که بعضی از آن‌ها ارزش مادری را به عنوان یک مجازات دانسته‌اند.^۵ تأکید بر استقلال زن از شوهر و نیز تثبیت جایگاه اجتماعی زنان بدون توجه به نقش آن‌ها در خانواده، افزایش مجردگزینی، افزایش سن ازدواج، افزایش آمار طلاق و کاهش فرزندآوری در خانواده‌های معاصر،

۱. ر.ک: سوزان آلیس واتکینز؛ فمینیسم؛ ترجمه زیبا جلالی نائینی؛ ص ۵؛ سیدمسعود معصومی؛ فمینیسم در یک نگاه؛ ص ۳۱-۳۲.

۲. حسین بستان؛ نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم؛ ص ۱۱۰.

۳. محمدرضا زیبایی‌نژاد؛ «فمینیسم»؛ مجموعه مقالات فمینیسم و دانش‌های فمینیستی؛ ص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۴. حسین بستان؛ نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم؛ ص ۱۱۱؛ ویلیام گاردنر؛ جنگ علیه خانواده؛ ترجمه معصومه محمدی؛ ص ۱۶۷-۲۱۱.

۵. کیت فیگز؛ زنان و تبعیض؛ ترجمه اسفندیار زندپور، ص ۱۷۸ - ۱۱۱.

بهره‌برداری ابزاری از زن و نگاه کالایی به مقام زن، حاکی از ترویج چنین نگرشی است. در خانواده معاصر به دلیل ضعف باورهای دینی، نگاه ارزشمندانه و مبتنی بر کرامت به زن، جای خود را به نگاه ابزاری و لذت‌جویانه داده است. اغلب سریال‌های به ظاهر خانوادگی غربی، حاوی داستان‌هایی از عشق‌ها و روابط نامتعارفی است که بیننده را بعد از مدتی به طور غیر ارادی و ناخودآگاه وارد به همسان‌سازی زندگی واقعی و شخصی خویش با تصاویر پخش‌شده از ماهواره می‌کند. مصادیقی چون خیانت به همسر، افزایش سن ازدواج، بی‌تفاوتی به حریم خانواده و بی‌بندوباری فکری و فرهنگی در جامعه، نمونه بارزی از الگوهای غلط برنامه‌های ماهواره‌ای است.

نتیجه‌گیری

بر اساس آموزه‌های اسلام، محیط خانواده باید سرشار از احساس آرامش، مودت و رحمت باشد؛ این در حالی است که اکنون خانواده‌های معاصر به دلیل نفوذ سبک زندگی غربی و به دنبال آن ضعف باورهای دینی، گرایش به آزادی‌خواهی و جابه‌جایی ارزش‌ها، دچار افول ارزش‌های فطری و اخلاقی و خانوادگی شده‌اند. در این مسیر رسانه‌هایی که در خدمت استعمار هستند، برای تبلیغ اندیشه‌های خود و به صورت مستقیم و غیرمستقیم، برای تضعیف اسلام و تغییر سبک زندگی برنامه دارند و چه بسا خانواده‌هایی که در معرض این رسانه‌ها قرار می‌گیرند؛ به‌طور ناخودآگاه دچار تحول ارزش‌ها شوند.

امروزه بعد از تضعیف باورهای دینی و گرایش به آزادی‌خواهی، علت افول ارزش‌ها در خانواده معاصر، تزلزل جایگاه و ارزش وجودی زنان است. زنان - خواسته یا ناخواسته - تحت تأثیر اندیشه‌های فمینیستی، در حال مبارزه با ارزش‌های خانوادگی خود از جمله نقش همسری و مادری هستند و بدین ترتیب، خانواده‌ها گرفتار معضلات بسیاری مانند فقدان معنویت، افسردگی، افزایش آمار طلاق و آسیب‌های جدی دیگر شده‌اند. در چنین خانواده‌هایی مردان از احترام و قدرت عمل برخوردار نیستند و جایگاه ضعیف‌شان، آن‌ها را نسبت به وظایف‌شان دلسرد می‌کند. زنان نیز با رسیدن به جایگاهی برابر با مردان، مجبورند باری بیش از توان‌شان به دوش بکشند و نمی‌توانند مانند گذشته، انتظار حمایت همه جانبه از شوهر داشته باشند. در این میان

فرزندان به حال خود رها شده‌اند و دور از نظارت خانواده‌ها، در فضای مجازی آزادند. خانواده معاصر باید برای نگهداری از ارزش‌های دینی و اخلاقی و خانوادگی، ابتدا به تقویت باورهای دینی اعضای خانواده بپردازد؛ سپس معیار وجود آزادی را بر اساس آموزه‌های دینی تعیین و در نهایت، برای هر کدام از اعضای خانواده نقش خاصی در قبال دیگران تعریف کند. این وظیفه والدین است که زمینه همدلی و تعامل اعضای خانواده با یکدیگر را فراهم نمایند.

فهرست منابع

۱. آریلاستر، آنتونی؛ *ظهور و سقوط لیبرالیسم*؛ ترجمه عباس مخبر؛ تهران: مرکز، ۱۳۷۷ ش.
۲. بستان، حسین؛ *نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم*؛ چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
۳. بودرو، ژرژ؛ *لیبرالیسم*؛ ترجمه عبدالوهاب احمدی؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ ش.
۴. پورشافعی، هادی و ناهید آرین؛ «پست‌مدرنیسم و دلالت‌های آن در تربیت دینی»؛ نشریه اسلام و پژوهش‌های تربیتی؛ پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۲، صص ۲۷ - ۵۶.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن؛ *وسائل الشیعه*؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۶ ق.
۶. حسین‌خانی، هادی؛ «معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام و ساخت مقیاس آن»، پایان‌نامه دکتری؛ رشته علوم تربیتی قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۹۰ ش.
۷. زیبایی‌نژاد، محمدرضا؛ «فمینیسم»؛ مجموعه مقالات فمینیسم و دانش‌های فمینیستی؛ چاپ دوم، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲ ش.
۸. سیدی، سید حسین؛ *بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها*؛ تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ ش.
۹. شریف‌الرضی، حسین بن محمد؛ *نهج‌البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. شریف قریشی، باقر؛ *نظام تربیت اسلام*؛ تهران: فجر، ۱۳۶۲ ش.
۱۱. شریفی، احمد حسین؛ *خوب چیست؟ بد کدام است؟*؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۸ ش.

۱۲. طاهری، حبیب‌الله؛ بررسی مبانی فرهنگ غرب و پیامدهای آن؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. عرسان کیلانی، ماجد؛ فلسفه تربیت اسلامی؛ ترجمه بهروز رفیعی؛ تهران: سمت، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. فتحعلی، محمود و جمعی از نویسندگان؛ درآمدی بر مبانی اندیشه اسلامی (فلسفی، کلامی، سیاسی)؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. فرمهینی فراهانی، محسن؛ پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت؛ تهران: نشر آییش، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. فیگز، کیت؛ زنان و تبعیض؛ ترجمه اسفندیار زندپور؛ چاپ سوم، تهران: گل آزین، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. کوئن، بروس؛ مبانی جامعه‌شناسی؛ ترجمه فاضل توسلی؛ تهران: سمت، ۱۳۷۲ ش.
۱۸. گاردنر، ویلیام؛ جنگ علیه خانواده؛ ترجمه و تلخیص معصومه محمدی؛ قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. گوتک، جرالدا؛ مکاتب فلسفی و آرای تربیتی؛ ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت؛ تهران: سمت، ۱۳۸۶ ش.
۲۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. مریجی، شمس‌الله؛ عوامل مؤثر در انحراف ارزش‌ها؛ تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۷ ش.
۲۲. مصباح، مجتبی؛ بنیاد اخلاق: روشی نو در آموزش فلسفه اخلاق؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
۲۳. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۳ ش.
۲۴. معصومی، سید مسعود؛ فمینیسم در یک نگاه؛ قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۴ ش.
۲۵. واتکینز، سوزان آلیس؛ فمینیسم؛ ترجمه زیبا جلالی نائینی؛ تهران: شیرازه، ۱۳۸۰ ش.
۲۶. یوسفیان، نعمت‌الله؛ تربیت دینی؛ قم: زمزم هدایت، ۱۳۸۶ ش.

